



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان بنما سبت دهمین سالگرد انقلاب بهمین

برای تامین صلح و آزادی، برای

سرنگونی رژیم ارتجاع، متحد شویم!

درفصحه ۲

پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضاء و هواداران

بنما سبت هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان

درفصحه ۲

“بازسازی”

یا ویرانسازی

سرانجام مراسم مردم آزادی را تجلیل دهسال
جنایت و خیانت جمهوری اسلامی، زیر علم “بزرگداشت
ده فجر”، با سخنرانی های بر طمطراق و توأم قریبانه
سران اعلیٰ حکومت به بیان رسید. خامنه ای در
میدان آزادی تهران، منتظری در قم، اردبیلی در
یزد، ری شهری در شاهرازد، و کرسوز جمهوری اسلامی
یعنی رفسنجان، به عنوان آخرین و مهمترین سخنران
سخنران مجموع مراسم در هتل لاله تهران، اندر
ستایش تیپیکاری های رژیم بداسخن دادند و برای خام
کردن مردم کوشیدند. آقای نخست وزیر هم یکبار
نماند و مشغول چاروچنال بیرامون اقداماتی در
مسرحه و بلائینگه آدابادان بود و خبر روشن شدن
یک لوله گاز زردیالاینگه آدابادان، به نشانه فعالیت
بودن دم دستگاہ ایسان اعلام شد. می بینیم که همه
میوه های درختی خود قرا در آستاند و بازی کا طلا سر
روال بود. نتیجا غایب ماندن خمینی و ندادن پیام
از سوی وی آرایش از پیش معلوم را بهمیزد. این هم
الته از سوی سران رژیم می تواند در زمره “معجزات”

درگرامیداشت دهمین سالگرد



روز ۱۹ اسفند ماه، سال “کار” دهسالند
می شود. دهسال پیش از این، درخوردن دهاسفندماه
سال ۱۳۵۷، در اوج جنش های مردم به خاطر طمس
بیروزی بر رژیم دیکتاتوری شاه، نخستین شماره
کار در تهران و سراسر ایران انتشار یافت. بدین
گونه، فدائیان خلق که دردمندوسرارترازا، هشت
سال نبرد خونین با رژیم شاه را پشت سر گذاشته
بودند، فدائیانی که برای رساندن یک اعلامیه به
توده های مردم از دهلیز آتش و خون عبور می کردند،
جنس توده ها را با افزایش درفش “کار” گرامی
داشتند و از بازترین بنجره با مردم خود گفتگو
آغاز کردند.
فدائیان خلق کوشیدند تا همه را با “کار”
را در نام آن تضمین بکنند. کار بیانگر با ساداری
فدائیان از آرمان و خواست های طبقه کارگر است.
کار، بیانگر اعتقاد عمیق فدائیان به حقانیت
نیروی کار است. کار، بیانگر عزم راسخ فدائیان
در بیگاری به خاطر همه توده های کارگرورنجبران
است. کار، بیانگر عزم فدائیان برای هرجه
افزایشه تکرار درفش کار در برابر استعمار و
ستم است.

واز “نظا اقدامات پیاپی مرکبونه” وی قلمسداد
کردد! گبریم که ما م “معجزه” نمی کردیم پیاپی
می داد، چه می خواست بگوید؟ چه می توانست بگوید؟
کدام دروغ نا گفته، کدام جنایت نا کرده، کدام وعده
دروغ در دنیا مده و کدام مدعه و شیرنگ باقی مانده
پیاپیاشان را ضروری می کرد؟ از مجموع
عوام فریبی ها آنچه که قرار بود تکرار شود در برنا م
سخنرانی دیگر سران رژیم قرا گرفت. بررسی این
سخنرانی ها نشان می دهد که سخنرانان جز گول زدن
مردم، جز ترساندن مردم، جز تلاش برای توجیه
برای ترفعه ۴

قتل عام زندانیان سیاسی

هم چنان ادامه دارد

“چرا تورا اعدام نکرده اند، مگر وضعیت
نازهای در زندان پیش آمده؟”
“خودم هم تعجب می کنم، تقریباً تمام
هم بندی هایم اعدام شده اند.”
دو هفته بعد، در ملاقات بعدی، سبک
لباس های شوهر را تحویل همسرش دادند. فاجعه
ادامه دارد.

کشتار همگانی زندانیان سیاسی کشور که
پس از توقف کشتار جوانان در جنبه های بی بازگشت
حک تا عراق آغاز شد، هنوز قطع نشده است.
بهترین فرزندان خلق، مواریدهای یگان
میمن، در موج هولناک و ناگهانی اعدام، آماج
کلوله ها و آونک دارا شدند. تاریخ درسا می بیند
ما اینک در سلول های شکنجه و میدان های تیر -
که تا فراختی سرزمین ما را منگسترده - با تار و
بوی دولت و بیداد، نقشی دیگر از سیاه قسرون
می گیرد.

خون از سلولر جلادان جاران همچنان فرو
می جکد. گورهای جمعی پیاپی کنده و پرمی شونند
خانواده ها دسته دسته در ماتم عزیزان فروری روند.
مردم، با در سوگ عزیزان از دست رفته اند با در
اضطراب از دست رفتن عزیزان دیگر.
خانواده های پشت در زندان ها، زیر شکنجه
انتظاری اضطراب آلود، بی جو پیر سنده و سرنوشت
عزیزان خویشند:

“ترو منتظر خبر بسدی باش!“
بدر در انتظاری ماند...، یک روز، ... دوروز
..... ۱۰ روز، ...، یک ماه، ...،

“ ما می خواهیم بجهایمان را ببینیم،
می خواهیم ببینیم چه وضعی دارند! شنیدیم در
بقیه در فصحه ۱۱

بجای مبارزه عقیدتی فتوای تروریستی

درفصحه ۸

محکومیت رژیم توسط اتحاد شوروی درفصحه آخر	بن بست مذاکرات صلح درفصحه آخر
بهاوهی خونین “ مبارزه با اعتیاد” درفصحه ۶	“ برنامه توسعه اقتصادی” درفصحه ۱۰

دهسال ستیز با طبقه کارگر

ده سال از انقلاب سپس گذشت. انقلابی که
نیروی شکر فخلقیکار را کده دیگری خواست
کردن زیر یوغ ستم خمکند، به نمایش گذاشت. طبقه
کارگرمیمن ما در این خیزش عظیم توده ای
متابعمیترین نیروی فرتی انقلاب عرض وجود
کرد. نیرویی که با اعتنابا ت سراری خود گمر
ارتجاع ستمناهی را شکست و راه بیروزی قیسام
حماسی بهمین راهوار کرد. دستاوردهای انقلاب
شمره از خود گذشتگی ها و جانفانی های سترگ
توده ای بود. اما حاکمیت جمهوری اسلامی از همان
نخستین روزهای نخست پس از انقلاب راه بی اعتنابسی
و سپس ستیز و دشمنی تمام عیار با همین توده های
برپا کنده انقلاب، به ویژه با طبقه کارگر را
در پیش گرفت و دستاوردهای انقلاب را با بی مسابال
کرد. در خطاهای فرا، کارگران “ستون انقلاب”
بودند، اما در عمل آنچه که پیش رفت خط سرکوب
خشن مبارزات حق طلبانه و تشدید محرومیت طبقه
کارگر بود. سه “برکت جنگ” و با بد پای تحکیم
با بهای استبداد مذهبی، سرکوب خشن مبارزات
حق طلبانه کارگران به سیاست رسمی رژیم خمینی
سدل شد. سیاست و عمل کرد دهساله رژیم خونسوزی در
برابر جنش کارگری ایران، یکی از سیاه ترین
مفحات کارنامه دهساله حاکمیت جمهوری اسلامی
است. مروری بر نمونه ها و عرصه های اعلی اعمال
این سیاست و عمل کرد دشکارگری می تواند کسواه
مدعی ما باشد:

— در عرصه قانون کار
تصویب یک قانون کار مترقی با مشا رکست
بقیه در فصحه ۷

تأبیش از انتشار کار، سازمان ما هنوز
دارای یک ارگان مرکزی و سراسری نبود. تا پیش
از انتشار کار، سازمان پیام ها و رهنمودهای خود
را عمدتا از طریق اعلامیه و بیانیه و نیز به کمسک
اشوع تراکت های توضیحی و تبلیغی به مردم
می رساند. در آن سالها نتیجا نشریه سازمان “سرد
خلق” بود که فاقد زمانی بسیار طولانی و به
دلیل وضعیت دشوار مبارزه صورت نامرتب
منتشر می شد. از نبر خلق تأبیش از انقلاب مجموعا
۶ شماره منتشر شد. علاوه بر آن رفقای ما در خا رچ از
کشور نیز نشریه ای به نام “۱۹ بهمن” منتشر
می کردند که بیشتر نشریه شوریک بود و انتشار آن در
داخل، با مشکلات زیادی روبرو بود.

در جریان اوگیری انقلاب و با سرنگونی
رژیم شاه و علنی شدن سازمان، ضرورت انتشار ریگ
نشریه سیاسی به صورت یک نیا زیرم برد آمد. انتشار
نخستین شماره کار در ۱۹ اسفند ماه، با استقبال
بی نظیری در میان مردم روبرو شد. پیام مسابسا و
رهنمودهای فدائیان اکنون در یک ارگان مشخص
به نام “کار” به دست مردم می رسد و دردهای مردم،
خواست ها و آرزوهای مردم، با اختیار مبارزات مردم، در
نشریه خودشان انعکاس می یافت.

انتشار کار به عنوان ارگان مرکزی سازمان
همان اندازه که بی بنیاد معنوی و علمی سازمان و مردم
را تعمیق می برد، لزوم تحرکی نوین را در بر خورد
با مجموع مسایل جامعه و جنش فراوری سازمان
می گذاشت. کارگر، کارمند، دهقان، دانشجو،
روشن فکر، پیشرو و هنر نیروی دیگری از مردم که در
راستی خواست های خویش در نبرد بود، انتظار داشت
تا پاسخ مسایل مشخص خویش را نیز در “کار” و دیگر
نشریات سازمان های مردمی بیا بد. از این رو
انتشار “کار” خودا بجا دگرگاری فرا تیر برای شناخت
مشخص مسایل مردم و با سخگویی به آنها بود. این امر
با عت می گشته که ربه قلب سیاسی سازمان بدل گردد.
“کار” به دلیل پایگه توده ای سازمان و
بقیه در فصحه ۲

زنان ایران! برای تامین حقوق خود، برای صلح و آزادی، بیکار با ارتجاع را گسترش دهید!

درفصحه ۴

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان بمناسبت دهمین سالگرد انقلاب بهمن

برای تأمین صلح و آزادی، برای سرنگونی رژیم ارتجاع، متحد شویم!

دهمین سالگرد انقلاب بهمن فرا رسیده است. ده سال پیش در چنین هنگامی مردم میهن مسلمان در جریان انقلابی فراگیر و پرشکوهر سرتا ران جانبازیها و فیرا نهای بی نظیر توانستند رژیم دیکتاتور و شاهنشاهی را سرنگون کنند و بساط سلطنت دو هزار و بیست و نه ساله را بر زمین بیاورند. این انقلاب سرک کشیده تحلی و وحدت آرا ده بیست و نه ساله مردم ایران را علیه رژیم دیکتاتور سلطنتی و امپریالیست های حامی آن بود، در تاریخ کشور ما و نیز در تاریخ مبارزات خلق های جهان حایب بسیار برجسته دارد. این انقلاب آموزش های جدی و بزرگی برای مردم ایران و دیگر خلق های جهان به همراه داشته است.

انقلاب بهمن یک خیزش بزرگ مردمی به خاطر هدف ها و آرزوهای مردمی بوده است. این واقعیت را باید از فراز ده سال جنگ و تپیکاری و ستمی کینه رژیم جمهوری اسلامی برای آن تحمیل کرد، بساز ساخت. خواست ها و آرزوهای مردم شریف ایران در انقلاب بهمن با تپیکاری های رژیم جمهوری اسلامی علیه مردم و انقلاب بهمن برای برداشتن دیو و هفت، خواست های مردم آگاه ایران، خواست های کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان، جامعه مستضعف و روشنگران و دیگر نیروهای ترقی خواه و رومکنس و مبارزان ایران در انقلاب بهمن، خواست های بیرحمی بود. مردم ما می خواستند دیکتاتوری را سلب و بیاورند، می خواستند سرکوب و خون ریزی و ارباب نباشند، می خواستند فرزندان مبارز و میهن پرستان تحت تعقیب و در شکنجه گاه ها و زندان ها نباشند، می خواستند سلطه امپریالیست ها، خصوصا امپریالیسم امریکا در کشور ما را بیاورند، می خواستند هرگونه غارتگری ثروت های ملی کشور ما از سوی انحصارات امپریالیستی و همدستان داخلی آنها بیاورند، می خواستند ستم اجتماعی و ملی نباشد و در کشورشان عدالت اجتماعی برقرار شود. مردم ایران در پی همین خواست ها مبارزات خود را گسترش دادند و در راه همین آرزوها هزاران کشته دادند.

تا هر کجا که مردم آگاه و مبارزان توانستند در خواست های بیرحم خود پیش بروند، حقانیت و زبیبی و انسانیت انقلاب آنها شکفته شد. مردم ما دیکتاتوری و سلطنت را سرنگون کردند، مردم در ستمگران و خون ریزان را تشویه کردند، مردم در زندان ها و شکنجه گاه ها را از گردن دو ستمسازان

زندانی را به آغوش کشیدند، مردم امپریالیست ها را خوار کردند و حکومتگران جدید را ناکار کردند به سرعت و یکی پس از دیگری قراردادها و میثاقات با آنها دلایرا نسخ کردند. مردم خود را اصلاحات ارضی اقدام کردند، ثروتها و دستکلهای خود را در پیوسته هدیه دادند و در دستکلهای خلق ستم به ستم حقوق خویش را نگرفتند. به یادآوریم کینه انقلاب بهمن بدراستی حش مردم بود. به یاد آوریم بسا روزهای انقلاب قلب های مسردم ایران با هوشوری بهمگرم خورده بود، به یادآوریم دریا را محبت انسانی را که در میان های هنرمندی جاری بود. آری، انقلاب بهمن را باید در آینه آرزوهای مردم دیوسما و کریم و ولایت مقربه را در انقلاب دهمینی با مردم و با انقلاب با دروغ و دروغ ده سال حاکمیت جمهوری اسلامی زبر کینه یلیدترین استبداد، خواست های مردم را بیاورند و از ایران ما ویرانای بدید آورد. از ده سال حاکمیت آخوندها، هشت سال و جنگ ایران و ویران کن رژیم عراق، در دهه های ده سال، جنگ با خلق کرد و دامپافت. در دهه های این ده سال، فشار سرنیروهای ستم پرست و مترقی و بیگرم و سرکوب و کشتارها را با آنها هر روز بیشتر شد. در این ده سال دهها هزار فرزند گرامی این مردم ستم دیده تیرا را نداشتند، به آرا و یغی شدند، زنده به گور شدند و با هزاران شکل درد و دیگر ازمیای رفتند. در این ده سال حتی انقلابیون سرساقای کداز زندان های شاهان و ستم پرست برده بودند، در زندان های معا و بهرمان حسان با خند، در این ده سال حاکمیت سنگین جمهوری اسلامی دهها هزار روستا و هزاران واحد تولیدی نابود شد، بحران اقتصادی به آوج رسید و سطح زندگی مردم به شدت پایین آمد. کمرانی، سبکزی، بی سبکی، وارگی، اعتیاد، فحشا، ناسبکی، بی قانونی و بی بنیادگی، دستاوردهای اجتماع رژیم خمینی هستند. در هیچ کجای دنیا حقوق بشر و آزادی بی ستمند، ستم حقوق انسان ها اینگونه بیاورده نشده است.

جه گیری ستمسازان می تواند، دهمینی رژیم خمینی را با آرزوهای مردمی انقلاب بهمن نشان دهد که قتل عام زندانیان سیاسی بی دفاع در دهمین سالگرد انقلاب؟ هر کس به گونه ای حشمن می کرد و ستم طین به گونه ای، شرایط حاکم پر

ایران دهمین سالگرد انقلاب بهمن را با کشتار هزاران زندانی سیاسی حشمن گرفتند، آنها حشمن خون بریا کردند، آنها در دهمین سالگرد انقلاب کانی را قتل عام کردند که بیشترین سهم را در انقلاب بهمن و در جانهای بیخاطر مردم داشتند. اکنون، در همین سال حاکمیت خمینیستی، ایران و ایران و مردم ایران را سیاه پوش و عازادانند. کشتار و زندان و مبارزات ایران همچنان بهر حال نشانه ادا مدها در بیاورند کردن حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی مردم ستم دیده ایران با شدت و بیانی از هر زمان ادا مدها در تپیکاری را حاکم کده از آینده خود هراس دارند، ستمی می کنند با قتل عام مخالفین خطرناک بودی خویش را به خیال خود از زبان بردارند، اما غافل از آنند که خون داغ انسان را در بریا زود می گیرد، نفرت مردم را زین رژیم هر روز متراکم تر می شود، آرزوی مردم برای ناسودی این رژیم هر روز شعله ورتر می گردد. با لوده های ایران با آنکا به تحریکات طولانی خود می توانستند بدخوبی دریا ستمگرا هنجارشان جز سرنگونی این رژیم خمینی نیست. برای اینکه ایران با ستم صلح و امنیت و آزادی و بهروری دست یابد، برای اینکه مردم ستم دیده با این همه صمیمت با بیان دهند، راه دیگری جز بریده ها گانی و اینا رنگارنگ علیه این رژیم نیست. مردم باید بتوانند آخوندها را عوام فریبی های آخوندها را حاکم را با زنا ستمساز برای نجات خود به حمایت از زمان های سیاسی میهن پرست، آزادخواه و مردمی برخیزند. تاریخ ثابت کرده است که اگر مردم به ستم خیزند همیشه رژیمی را در بریاوران برای استبدادگی نیست. سازمان های سیاسی ترقی خواه کشور ما باید بدانند که به هیچ چیزه نایا زده تا دو همگامی بردارند علیه این رژیم ستمسازانند. آنکا در زمان های سیاسی ترقی خواه می تواند تکیزه ترغیب هر چه بیشتر مردم به ستمسازان شود مردم میبندد و آرا آنها را علیه دشمنان متحد کند. به یاد آوریم که دهمین سال حاکمیت ارتجاع، آغا زنده دنیروهای ترقی خواه ایران در راه آماج های عادلانه بودند. با ستم کده مردم ایران مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی را پیروز میبندد به پیش برند. آینه زان مردم ایران است.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۵ بهمن ۱۳۶۷

در گرامیداشت ... بقیه از صفحه اول

توجه بپیکار آن در مسایل سیاسی و اجتماعی کشور، برخورد ناعادل و چند جانبه با ستمسازان. البته مسایل کشور و ترقی و نیز زمانی بیشتر زمانی کمتر در کار منتهی می شد. اما ستمی کار هرگز نمی توانست ستمی یک ستم پرست و ترقی و ترقی می باشد. ستمی گوناگون به بدگفت که شکل کار و ترکیب مطالب و مضامین آن نیز همواره تابع نیازها و شرایط مبارزه بوده است.

دوره نخست فعالیت کار، از ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ تا ۱۱ اسفند ۱۳۶۰ یعنی سه سال بود. در این دوره ما ستمسازان ۶۰ دربی طلاق های دراز مدت رژیم خمینی برای تعطیل کار، برانجام یکسوم "داستان انقلاب اسلامی مرکز" کار توقیف شد. مقامات رژیم علت توقیف کار را درج مقالات و مطالبی در اعتراض به اعدام های جنايتکارانه و دهمین سالگرد انقلاب اعلام کردند. ترقی کار از همان نخستین شماره، کار را رگسترده ای را علیه ستم پرستین و بهر هکشان و غارتگران ارتجاعی به قطع ترین شکل در برابر اقدامات ارتجاعی رژیم برده برداشت. از همین رو حکومتگران هیچگاه چشم تحمل کار را نداشتند و مردم در پی آن بودند که از جاب و پیش این ترقی به جلو گیری کنند. اما در گرامی گرم دوره پس از انقلاب، رژیم هنوز چنینی امکان نداشت. در سال ۶۰ رژیم موقعیت را مناسب تشخیص داد و قصد خود را عملی کرد. توقیف کار ضربتی جدی به مبارزه مردم سازمان ما بود. اگر چه پس از توقیف کار "بولتن سیاسی" انتشار یافت، اما آن بولتن نمی توانست نقش کار را ایفا کند.

از اسفند ماه ۶۰ تا اسفند ماه ۶۲، سازمان ما امکان انتشار کار را نیافت. در این مدت وظیفه تحلیل رویداد های سیاسی و اجتماعی را بولتن سیاسی بر عهده گرفت. این بولتن به طور آخ برای تجویز فکری و سیاسی تشکیلات انتشار می یافت.

با انتشار شماره اول دوره دوم "کار" در اول اسفند ماه ۶۲، دوره جدید فعالیت کار در شرایطی بسیار متفاوت گذشته آغاز شد. کسرتس

سرکوب و خفقان در این دوره چنان در مسایل یا کینه که لزوم تغییرات اساسی در شیوه سازماندهی رهبری را ایجاب می کرد. در این دوره شکل و محتوا و حجم ترقی کار بر اساس نیازهای فعالیت کار ملاحظه در کشور و توجه به امکانات تشکیلات جهت چاپ و پخش آن تنظیم شد. در این دوره که اکنون دهمین سال آن به پایان رسیده است نیز کار "کسار" بهترین وسیله منسک کننده فعالیت سیاسی ایران در زمان ورشته ها هتک کننده فکری و عملی همه فدائیان خلق بوده است. تشکیلات داخلی کشور، با جانبازی و کوهمندی طی پنج سال گذشته کار را تکمیل و پخش کرده و حتی لقمه در دست توده های مردم رسانده است. بدون شک ما در آینده نیز سازمان هم پیشتری داریم که در این کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را هر چه برآورد و اگر رست مجموعه تدا سربه دست مردم برآید، کار، این ورشته عمیق پیوند سازمان ما مردم با بدیسسه گونه ای موفق تر نتوانند در مساله خود را ایفا کنند. برای آنکه کار رسالت خود را پیروز میبندد به انجام رساند، نیازمند همکاری فعال همه فدائیان خلق است. شایسته است که گرامی بدید است دهمین سالگرد این درفش سازمان را با خیزش نوین برای تقویت آن و برای پیش هر چه وسیع تر آن در کشور و در خارج همراهم کنیم. برای کمک به کار چه باید کرد؟

– اخبار را مع و حشمن را به هر شکل کسسه می توانید به کار رسانید. کار نیز مثل هر ترقی دیگری قبل از هر چیز نیازمند اطلاع کفسی از رویداد های جامعه و حشمن است و تشکیلاتی ترقی از این اخبار و اطلاعات است که می تواند در هر چه زودتر بدست مردم برسد. اخبار مبارزات مردم، اخبار اقدامات بشت برده و پیش برده رژیم، اخبار رهبرها، روستا، مناطق ملی، کارخانه ها، ادارات، موسسات آموزشی، اخبار زندگی مردم، اخبار زندان ها و زندانیان سیاسی و اخبار دهها و دهها عرصه حشمن اجتماع و سیاسی کشور نیاز کار است. این اخبار را، هر قدر کونا با گرامی اهمیت همگامی، بدین رنگ برای کار بر فرستید.

– خبرنگار روکار را کار بسازید! تشریفات

پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضاء و هواداران

بمناسبت هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان

رفقا و دوستان!

هجدهمین سال حیات سازمان پرافتخار ما در نظیر گلوله های خونریز دژخیمان رژیم خمینی و در نظیر حمله سرودهای بیداری فدائیان خلق به پایتخت رسید. ده هجدهمین سال حیات سازمان، رژیم ددمنش خمینی در جریان کشتار زندان نیسان سیاسی، زمین انقراضی کمیته مرکزی، انقلابی، مبارک، رفیق انوشیروان لطفی، رفیق قهرمان، صمد اسلامی و فدائیان پارسا بوقوتدار، رفقا محمد حسن دبایک شوری و حمید منتظری، اعضاء و کمیته مرکزی و زمینان کادرها و اعضای رزمندگان ما قریب به ۵۰۰ رفیق را به جوخه های اعدام سپرد. این جنایات که بیانگر هراس رژیم از آینده و دشمنی عمیق و دماغز آن با اهداف و آرمان های ترقی خواهانه مردم ما است، شنگ و انزجار برشیرت را برانگیخته است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به بیداری حماسی زندانیان سیاسی درودی فرستد. ما به فدائیان که سرودمقاومت حماسی شان در گنجینه ها و میدان های اعدام رژیم طنین اندازد، با ساری افتخار و با قلبی آکنده از غرور درودی فرستیم. سنت بیداری در راه مردم و تسلیمناپذیری در برابر دشمنان مردم توسط رزمندگان فدایی با خون و جان پاسداری می شود. این میراث بیداری و تسلیمناپذیری، در روزهای دشوار و تنگ هجدهمین سال حیات سازمان، نیرومندترین منبع الهام در حفظ یکپارچگی انقلابی و سلامت و رزمندگی سازمان ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است.

کمیته مرکزی سازمان فرارسیدن هجدهمین سالگرد حماسه ۱۹ بهمن، روز بنیانگذاری سازمان را به همه اعضاء و هواداران شادباش می گوید. در این روز جسته ما همه اعضاء سازمان را به تحکیم یکتگی و تقویت پیوندهای یقینانه در سازمان و گسترش یکپارچه رژیم فرا می خوانیم.

رفقا و دوستان، ده هجدهمین سال فعالیت سازمان، جنگ ایران سر واقع شد و آتش سیس برقرار گردید. آگسیر فشار جهانی و مبارزه مردم نبودن ما، ناتوانی رژیم محودنمی شد، جنگ به این زودی قطع نگردد. اکنون نیز با بیداری و بر طرف کردن عوامل جنگ به رژیم فشار آورد. چرا که آنها هنوز حالت جنگی در کشور را لغونکرده اند، هنوز سرمایه کشور را در ایمن راه مصرف می کنند، خرابکاری مداوم تحریکات خمینی را مانع استقرار صلح پایدار است. برای حفظ آتش بس و استقرار صلح پایدار همچنان مبارزه کنیم.

با پایان گرفتن جنگ، خمینی جنسک جدیدی را علیه مردم ایران آغاز کرد و هوولناک ترین تپکاری را مرتکب شد و طی آن هزاران زندانی سیاسی ایران را به قتل رساند. در جریان این فاجعه ملی بهترین فرزندان خلق، از رهبران و کادرها و اعضاء همه سازمان های سیاسی ایران به شهادت رسیدند. اکنون مسأله آزادی های سیاسی عمده ترین مسأله جامعه و مبارزترین خواست جنسک است. در این شرایط فدائیان خلق ایران باید با همه نیروهای مبارز آزادی و سرنگونی رژیم زبانی مشترک پیدا کنند و در بسط همکاری و توامین شرایط اتحاد گسترده آنان در یک جبهه واحد رفقا!

سأطور خونگنان خمینی جلا، اکنون خا نوا ده هزاران زندانی سیاسی را در محاصره عزیزانشان نشانداده است. پدران ما در آن هزاران کودک، در زندان ها به سر می برند و هر لحظه عمر آنها با بیم مرگ آکنده است. بسیاری از این خا نوا ده ها در وضعیت نابسا با روحی و شرایط

و خات بار مالی و معیشتی به سر می برند. کمک به خا نوا ده زندانیان سیاسی و با زمان ندگان انقلابیون شهید، یک وظیفه مردم انسانی، میهنی و انقلابی است.

سازمان دادن مبارزات مردم و به ویژه خا نوا ده های زندانیان سیاسی و انقلابیون شهید کادرها و رفقا، امروز در صف مقدم نیروهای توده ای، در راه آزادی بیگانه می کنند، از اهمیت سیاسی مردم برخوردار است اعضاء و هواداران سازمان، به ویژه در داخل کشور امروز با دیده بین زمیننه فعالیت روستکاران و سازمانگران، پیش از پیش توجه نموده و در راه آن تلاش نمایند.

انقراض حیات رژیم و دفاع از جان زندانیان سیاسی از عرصه های اصلی نبرد علیه استبداد مذهبی است. فعالین سازمان در خارج کشور نیز که سهم بردارین در این عرصه زینبر بر عهده دارند و آن را به پیش می برند، باید بر دامن فعالیت های خویش بسفزانند.

دشمنی و ستیز رژیم خمینی با خواست های ترقی خواهانه و دمکراتیک اقشار جامعه، محرک مردم در گسترش مبارزاتشان است. سلطه سبیه و ننگتبار استبداد مذهبی، با همه ترس و اذیت خویشی که جا مع را به بندگی کشیده، نیروی نبرد زندقه سیاسی و پیوندگی فایق آمده و بیروحی که در بدن جا معسه در فغان و دروغ است راه فروربندد. این جوش ها، بر زمین بحر ان اقتصاد - اجتماعی که رژیم خمینی تشدید کننده و تداوم بخش آن است، نیز زینبر تشدیدتفا دناج های حاکم، با لایمیگردد، در این جا و آنجا سرازمی کشند و به نحوی گرد زین با دیده بیلابسی علیه رژیم بدل می شوند. فعالین سازمان باید خود را به جوش های اعتراض آمیز مردم، پیش از پیش متکی سازند و با تمام خلافت و قدرت ایتکار خود، در راه سازمانگری اعتراضات مردم اهتمام ورزند. در شرایط کنونی که رژیم سینه نه علیه نیروهای انقلابی عمل می کند، آنچه کادر ای اهمیت اساسی است، تسخیر خلافتها و اشکال تلفیق مبارزه مخفی با کار علنی است. اشکالات کونا کون، کشف شیوه های خوردر سازمان ها، با جاسوس و جاسوسان توده ای، دمکراتیک، علمی و نیمه علمی در هر جا که محل حضور و اجتماع توده مردم محلی برای فعالیت گسترده تر اجتماعی است، دارای اهمیت بزرگ و آشنده است. همچنین اهمیت دارد که در میان روشنفکران و به ویژه در دانشگاہ ها و مدارس کشور توجه بیشتری شود، با یکدیگر سازمانگران را در کارخانه ها و محیط های اجتماعی سازمان گرفت.

سخن پراکنی سران رژیم در باره آزادی نباید کسی را متوهم کند که آزادی فعلی انقلابیون توسط سران رژیم پذیرفته می شود، اما نباید این واقعیت را نیز از نظر دور داشت که رژیم محصور است برای آزادی فعالیت جناج های در هیات حاکمه ملاحظاتی را در نظر گرفته و در راه آزادی کوچک تر سن منفذ در فضای سیاسی کشور برای گسترش مبارزه علیه رژیم بهره گرفت.

آنچه در لحظه کنونی اهمیت دارد، تنظیم میزان فعالیت و اشکال تبلیغات، تلفیق صحیح کار علنی با مخفی، و رعایت اکید مقدرات مبارزه مخفی به منظور خنثی کردن تلاش های سرکوبگرانه رژیم است. به ویژه که رژیم تلاش کرده می کند که فعالیت جنبش و سازمان را درگیری و به دام اندازد و با اهدافی سازمانی دست اندازی کند و آنها را متلاشی سازد. در برابر این رژیم علیه فعالان سازمان و واحدهای سازمانی باید هوشیار بود. در شرایط کنونی، فدائیان خلق باید با انتخاب اشکالات حد در همه این زمینه ها، مبارزه مردم

نبراتی به دست می آورد، تدارک اندازین و رفقا با بدینگونه تدارکات فروش نبرتی سازمان را به بیسک کاتال کمک مالی موثرتری برای سازمان نشسان تبدیل کنند.

کار در دهمین سالگرد خود به خاطر همه رفقای شهید، خصوصا به همه شهیدانی که در راه ما کار به خون غلظیدند، درودی فرستد. با شکر که سازمان پرافتخار ما را خود را بیروزمندانه نکند و بسود توانمند تر از همیشه نبرد با رژیم رتاج را بیسن برد. با شکر فدائیان خلق اندیشه ان یکا نه تر، وحدت ان مستحکم تر و قلب ها یان به هم نزدیک تر باشد. با شکر که این روزگاری رسا و هشاه با یسان رسد و مردم تعدیده کشور ما بر سر نوشت خویشش حاکم گردند.

علیه استبداد در اکثریت دهند.

سازمان ما در میدان رزم با دشمنان مردم تولد یافت و در چنین رزمگاہی نیز شدت و کمال پیدا کرد. رشد و تعالی امروز فدائیان سازمان نیز مشروط به کیفیت مبارزه ای است که در میدان اصلی نبرد علیه رژیم ولایت فقیه به پیش می بریم. گام های بی گناهی بزرگاری نخستین کنگره سازمان تنها کنون برداشته ایم و همچنان برخواهیم داشت، هر اندازه هم که پراهمیت باشد نمی توانیم بدون آهنگ فعالیت ما در میدان اصلی نبردنا نبرکنند کننده بر جا بگذارند.

اهداف عالی رزم گویا نه و وحدت طلبانه ای که ما در بر گزاری نخستین کنگره سازمان تعقیب می کنیم، مشوق کمیته مرکزی در جستجوی راه های است که به رهبری امکان دهد تا وظایف سیاسی و تعهدات جاری انقلابی را که در برابر مبارزات مردم و فعالین سازمان بر عهده دارد بر توان بر توان و تمرین تر به انجام برسانند.

توانایی ما در تلفیق صحیح وظایف سیاسی و مباحث درون سازمانی در نبرد تدارک کنگره، فامین بر گزاری بیروزمندانه نخستین کنگره سازمان ما است. کمیته مرکزی، همکارها و اعضاء سازمان را به تلاش خلافت ما برای تلفیق صحیح مباحثات درون سازمانی با وظایف و تعهدات جاری سازمان فرا می خوانند.

رفقا!

هر روز بیشتر آشکار می شود که دشمنان از برکنندگی و تفرقه ای که متاسفانه سازمان انقلابی، دمکراتیک و ترقی خواه کشور دستخوش آتند، به سوداها که کمیته مستمرا نه خود سود می برد، از اشکال درم جویانه همه سازمان ها و نیروهای انقلابی و ترقی خواه کشور بیگنا نه دفاع می کنیم. ما می کشیم با گسترش اتحاد عمل ها و تکنیک جبهه وسیع مشکل از همه سازمان ها و شخصیت ها سبب که برای صلح و آزادی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه مبارزه می کنند، روز فرخنده سرنگونی این رژیم را نزدیک تر و نزدیک تر کنیم. از این رو طلب همکاری و اتحاد عمل همه اعضاء و هواداران سازمان های انقلابی و ترقی خواه کشور، در این وظایف فعالیت ما سازمان در داخل و خارج کشور قرار دارد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، همه اعضاء و هواداران سازمان را فرا می خواند که به یزدهمین سال حیات سازمان پیوسته و با اشتیاق در راه آزادی و وحدت و پیشرفت و یکتگی و یکپارچگی صفوفشان و وحدت اندیشه و عمل همه فدائیان خلق گرامی بدارند. کمیته مرکزی سازمان آرزوی کند که سال آتی بسط همکاری ها و اتحاد عمل های رزم گویا به همه سازمانها و شخصیت های انقلابی و ترقی خواه کشور و سازمان گسترش مبارزه مردم علیه غفرت استبداد و اخلاقی حاکم بر کشور باشد.

فرخنده ما ده هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جاودان با صدا طره تا ناک فدائیان شهید و همه شهیدهای خلق.

درود آتشین به زندانیان سیاسی ایران بیروز با دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۸ بهمن ۱۳۶۷

هنه احزاب سیاسی. بقیه از صفحه ۵ این معنا نیست که اکثر مبارزه مردم و نیروهای ترقی ایران و فشار جهانی علیه رژیم به آزادی برخی جمعیت ها و محافل که عمده آنها نیروهای مذهبی و نیمه مذهبی و لیبرالی هستند، انجام میدهد، از ان استقبال نمی کنیم. اگرچه ما از آزادی کامل همه احزاب دفاع می کنیم، با این حال آزادی نیروها را تحولی مثبت در فضای سیاسی کشور محسوب می کنیم. ما از هر تحول مثبت که در فضای سیاسی کشور جهت تضعیف استبداد مذهبی پیدا آید، استقبال می کنیم. چرا که این امر اجازه می دهد که مبارزه در راه آزادی نیروی بیشتری تجهیز شود و فشار بر رژیم افزایش یابد.

رفقای شهید، خصوصا به همه شهیدانی که در راه ما کار به خون غلظیدند، درودی فرستد. با شکر که سازمان پرافتخار ما را خود را بیروزمندانه نکند و بسود توانمند تر از همیشه نبرد با رژیم رتاج را بیسن برد. با شکر فدائیان خلق اندیشه ان یکا نه تر، وحدت ان مستحکم تر و قلب ها یان به هم نزدیک تر باشد. با شکر که این روزگاری رسا و هشاه با یسان رسد و مردم تعدیده کشور ما بر سر نوشت خویشش حاکم گردند.

زنان ایران! برای تامین حقوق خود، برای صلح و آزادی، ییکار با ارتجاع را گسترش دهید!

هشت مارس، روز جهانی زن، روز همبستگی همه زنان عالم در مبارزه علیه استعمار و برابری را به هم زنان میهنمان میبندیم تا دنیا را از یوغ استعماری آزادی رزمجویان ما این است که سال آتی، سال گسترش مبارزات زنان ایران علیه رژیم منفور خمینی و علیه جوروستم‌هایی باشد که این رژیم زن ستیز آزادی کثی بزنان میهنمان را واداشته و می‌دارد.

زنان هموطنان! در ماه‌های نخست سال، جنگ خانمانسوز ایران و عراق که اکثریت بزرگی از زنان هر دو کشور را در ما تم‌عیزا نشان نشاند، قطع شد. فشار ناشی از نفرت و اعتراض مردم به سیاست‌ها که جنگ خمینی و زن‌ستیزی رزهنیروهای ترقی‌خواه و محافل صلح‌دوست جهان، خمینی را مجبور کرد که به صلح کردن نهد. او اعتراف کرده که صلح در کامش همچون جام زهری بود که با لاجبا سر کشید. این اعتراف، گویا تر از هر سخنی، سهم جنایتکارانه خمینی را در کشتار فرزندان و همسران آن در صلح جنگ برملا کرد. تنها به خاطر شهوت جنگ طلبی خمینی، صدها هزار بیوه، میلیون‌ها کودک یتیم، صدها هزار تن معلول و میلیون‌ها نفر آواره و بی‌خانمان شدند. جنگ قطع شد، اما جنایت خمینی ادا نمی‌یافت. به دستور خمینی در زندان‌های سراسر کشور، زنان و مردان قهرمانی که به خاطر مبارزه در راه مساجد و پهلوی مردم علیه خیانته و بی‌داری رژیم خمینی به‌جا خاسته و به همین خاطر نیز به بند کشیده شده بودند، قتل عام شدند.

دست‌نایاک و خونبار خمینی، با زهم ما درانی را بی‌فرزند، بزنانی را بی‌شوی و فرزندانسی را بی‌پدر کرد. از شمار ۶۰۰ زندانی سیاسی کشته جنانیکارانه به قتل رسیدند و نام‌ها نشان به دست مار سیده است، ۴۴ نام‌بزرگان و آزاده‌ای تعلق دارد که در ظلمت پیدا دخمینی، در فشی پیکار در راه صلح و آزادی و عدالت و برابری را، بی‌شاروی تنیده زنان کشور در اهتزاز رنگا ردا شدند. این نشان غرور انگیزی از این واقعیت در نشان است که زنان ایران نقش بسز و بزرگ و شگوه‌بینندی در بیکار علیه رژیم ولایت فقیه، در راه صلح، آزادی، عدالت و پیشرفت اجتماعی ایجا کرده و می‌کنند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این روز خسته به خاطر بی‌فروغ این زنان آزاده درود آتشین شما می‌کند. ما از ییکار با آفاق قهرمانان شما فدائیان شهید، رفقا مهرا انگیز آذوقی، فاطمه اشراقی، ناهید

حوایحی و سپیلا درویش کهن الهام می‌گیریم و در برابر عظمت روح انسانی رزمجویان ما سر تعظیم فرود می‌آوریم. ما در آن و خواهران هموطنان! در حالی که جهان در سال گذشته شاهد پیروزی‌های با زهم‌بیشتر زنان و ما در آن و کودکان در دست‌نایاک به حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی بود، رژیم خمینی برداشته‌های خود علیه زنان میهنمان افزود. محروم‌تر شدن زنان از فعالیت‌های اجتماعی و تولیدی، تشدید شدن مبارزات حقوقی زن و مرد با لگرفتن آمار طلاق، گسترش بی‌سابقه جنده‌های برای مردان، رواج نفرت‌انگیزترین انواع میهن‌ها، بی‌اعتنایی به حقوق ما در آن در سرپرستی فرزندان، شیوع اعتیاد و خودکشی و افسردگی، افسردگی، افسردگی، افسردگی پیدا کرده است.

در جمهوری اسلامی ایران زنان از حمایت‌های قانونی بهره‌بردار شده و حق هرگونه فعالیت در دفاع از حقوقشان از آنان سلب شده است. رژیم برای آلبوئانی بی حقوقی زن ایرانی در جمهوری اسلامی، نمایان‌های سال‌ها به‌ای را سب کرده راه می‌اندازد. هیئت‌هایی از زنان وابسته به رژیم، به‌جا مع بین‌المللی گسیل می‌شوند و حتی انجمن‌های زنان وابسته به رژیم در داخل سازمان می‌یابند. هدف رژیم از همه این ترفندها جلوگیری از رشد و اعتلای آگاهی زنان و انحرف مبارزات آنان از مسیر حق طلبانه‌شان می‌باشد. علیرغم تلاش‌های جنایتکارانه‌های رژیم برای جلوگیری از رشد آگاهی زنان و گسترش مبارزات آنان به‌عنوان، جنین‌زنان در کشور هر روز دامنه وسیع‌تری پیدا می‌کند. ستم‌گری‌های فاجعه‌بار رژیم خمینی علیه زنان کشور، تشرهای هر چه وسیع‌تری از زنان را به مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه سوق می‌دهد. در شرایط کنونی، جنین‌زنان را برای خلاق سازمان‌گیری جنبش زنان دارای اهمیت بزرگی است. آزادی تشکیل سازمان‌های دمکراتیک زنان و تعیین حقوق آنان در فعالیت‌های اجتماعی، آماج عمده جنبش زنان در مخرمات کنونی است.

اعضای سازمان ما در راستای تحقق آماج یافته شده به فعالیت در محافل خودجوش زنان و نیز کار در میان انجمن‌های زنان که توسط عناصر وابسته و مرتبط به رژیم سازمان یافته‌اند، به‌یاد توجه اکید مذبذول دارند. تقویت فعالیت‌های جنبش زنان، سوی پیش از پیش محافل و انجمن‌های زنان، فعالیت در راه‌ها تین حقوق فردی و اجتماعی زنان، طرح احقاق حق‌های زنان را اعمال می‌نمود

همه مردم هزاران وعده دیگر هزار بار تکرار نکرده‌اید؟ شما در یک مورد ثابت کنید که بر عکس این مواعده خود عمل نکرده‌اید. در یک مورد ثابت کنید که در این سیر شما چیزی جز تریبیکاری بوده است. شما بهترین است به ایران و ملت سباه پوش‌ننگا که نیدوشورم کنید و بر خود ملز می‌سازد و در منقلب و خودخوان گم‌نمودید. با کلام دست‌ان‌ویز می‌خواهند مردم را فریب دهند و در باغ سبز "دهه‌های زندگی" را به روی آنها باز کنند؟ علیرغم آتش‌سبج جنگی هنوز ادا می‌دارند، جنگ‌ده‌ها را خلق کرد همچنان ندا می‌دادند، همین امروز بخش عمده بودجه کشور صرف مخارج و ارتش، دوشهریاتی، دوسواک و ده‌ها سازمان و بنیاد سرکوب‌گر می‌شود، همین امروز و حشیا تریب قتل عام زن‌نیا ن سیاسی ادا می‌دارد، میلیون‌ها هموطن ما در خارج از کشور آزادند، بخش عظیمی از متخصصان و مینرجه‌های سازماندهی کشور با دریا حرت و تبعید و بی‌داری زندان‌ها هستند، زنان کشور را برای خارج شدن از محیط کار و سزندی زیر فشار قرار دارند، مفت‌خوری، انگل‌پروری، غارت‌لگا می‌ساخته دست‌ن‌سرم و درآمد ملی و بی مسئولیتی مطلق در مقابل سرنوشت کشور، جنین است وضعیت‌هایی که مرتجعین حاکم می‌سازد آورده‌اند. این وضعیت چگونه می‌تواند تهوریگر "آینده روشن" باشد؟

آری، ایران و ایران شده بیش از تهوریگر نیا ز مندی با سازی است و با سازی یکی از خواست‌های بزرگ مردم ما است. اما رژیم ولایت فقیه، در ساختار و کردار و در ماهیت خود بر ضد با سازی و نو سازی فرورگرم است. رژیم ولایت فقیه سراپا در تضاد با الزامات رشد است. ما در آن است که کشور ما قرار دارد، ضرورت سرنگونی این رژیم از جمله به دلیل همین خصیصه ارتجاعی آن است. یک ساله جنم‌گیر در سخنرانی‌های اصلی سران رژیم، سکوت در زمینه خواست‌های اصلی عدالت‌طلبان مردم است. این بار دیگر حسی در

انگس‌های طرح خواست‌های عاجل زنان در این محافل و انجمن‌ها و تشویق و ترغیب زنان به مبارزه در راه دستیابی به خواست‌ها، از جمله راه‌هایی است که جنبش زنان کشور برای رشد و اعتلای ناگزیر از بی‌مورد آن است. ما در آن و خواهران! ما در آن و همسرانی که فرزندان و شوهران خود را در صلح جنگ و بی‌دردندان‌های رژیم از دست داده‌اند و خانواده‌زندان‌ها را سیاسی، نقشی موشی در رده گسترش جنین‌زنان بر عهده دارند. همپاری این خانواده‌ها، هم‌هنگی و فشرده‌گسی موفنان در افشای جنایات رژیم، روشنگری اذهان توده‌زنان در باره اهداف انسانی و شریفانه فرزندان و همسران‌شان، بهره‌گیری از اشکال سنتی با بود شهیدان و دیگران با تجمعی به‌شوی که مشوق سابر زنان به همراهی و همگامی با انسان باشد، همه‌نگارگی از فعالیت انقلابی است که در تحلیل نهایی به‌ای عتلا جنبش دمکراتیک زنان بیاری می‌رساند.

زنان آزاده! سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بی‌انگراستین خواست‌ها و حقوق زنان کشور است. پاسداری از شخصیت و اصلت مقارن و دفاع از ما در آن و کودکان در زمره اهداف انسانی ما است. الفانی کلیه قوانین ارتجاعی جمهوری اسلامی در مورد زنان، - تا مین برابری کامل حقوق زنان با مردان در زمینه‌های اشتغال، تحصیل، همسرگزینی و طلاق، سرپرستی کودکان و سایر مشمول اجتماعی، - ممنوعیت جنده‌سازی، - تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در اداره کشور، - معافیت زنان از اشتغال در کارهای شاق، - آزادی تشکیل سازمان‌های دیگر و تیگ‌زنان و تا مین حقوق آنان برای فعالیت سیاسی و اجتماعی، از اهم اهدافی است که ما زمان ما در راه تحقق آنها مبارزه می‌کنند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با ابراز میهنانه‌ترین شادمانی‌ها به مناسبت هشتم مارس، هم‌زمان با آزاده کشور به اتحاد دوما روزه در راه تحقق اهداف فوق‌النسرا می‌خوانند. فرخنده‌باد ۸ مارس روز جهانی زن بیروز با دمبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

مجموعه مواعده و دروغ‌های این سران نیز سبب مواعید مربوط به عدالت اجتماعی و خط‌دهیج کاش با فتنه‌است. در میان "برنا مه‌ها و خط‌و نشان‌های "آینده‌ساز" این آقایان دیگر کم‌تشاری از توجوه سراپی برای دین‌های پینه‌سسته و کوخ نشینان و غیره دیده می‌شود. علت روشن است، کف‌گیسر تبلیغات و عوام‌فریبی‌های آنان به‌تهدید خورده است. دیگر وعده دروغ در نیا مده‌ای ندارند که با آن سر مردم را بشوید. آنها دیگر ناچار نیستند، دروغ بودن تبلیغات و مواعید خود را اقرار کنند. آنها به منظور جلب اعتماد محترم به میدان با سازی حتی ضروری می‌دانند که دیگر، مگر به هنگام ضرورت، اینگونه تبلیغات را نمانند، کم‌کنند. افزون بر این، سران رژیم به‌استناد ظاهرات‌شان و بی‌استناد در خواست‌هایی که از مردم می‌کنند، مواعید مربوط به عدالت اجتماعی را مقابیر "الزامات" آنچه با سازی می‌نماند می‌دانند. آنها اکنون این طور القا می‌کنند که برای با سازی لازم است دست‌ان‌رنگران برای هر فارتگری با ز و در عوض کم‌رنگ‌ها به یکدم مردم هر روز تنگ و تنگ‌تر می‌شود. این نظر سران رژیم مردم باید کمتر مسزد بگیرند، بیشتر کار کنند، کمتر حرف بزنند، بیشتر مطیع باشند، هرگونه فکر خدخال در ادا راه مورگور را از سر به در کنند و خلاصه کلام به‌بردگانی گوش به فرمان خرات سران و مدیران دولتی و سرما به‌داران و زمینداران تبدیل شوند تا به اصطلاح "با سازی" مثل ژانین پیش‌برود. همه اظهارات و برنا مه‌های رژیم روشن می‌کنند که در به اصطلاح برنا مه‌های با سازی قبل از هر چیز با سازی زندگی مردم، رفاه و عدالت اجتماعی برای مردم خورده است. سران رژیم آنچه را با سازی می‌نماند می‌خواهند به قیمت تدا و فشارهای طاقت‌فرسا بر توده‌های مردم پیش‌بند. این در حالی است که جمهوری اسلامی برای بهره‌کشان و غارتگران و انواع دلال‌ها و واسطه‌ها و دزدان مزدور و مد پلی "جنم‌سازان" روشن‌تری را ترسیم می‌کنند.

"بازسازی" یا "بازسازی" های رژیم هدفی را دنبال نمی‌کردند. آنها تازه صدور آخرین فرمان اعدام‌گرایی دیگر از زندان‌های سیاسی ما در شده بود، که در بی‌تربیبون‌های "مراسم پرشکوه" ظاهر می‌شدند. خا مته‌ای در میدان آزادی دادند داد که: "آینده کشور روشن است" و "دهه‌های آینده دهه‌های آزادی است". اوسین از مردم خواست که "همبستگی" خود را با جمهوری اسلامی حفظ کنند. منتظری در قمار سخن داد که: "توجه همه جهان امروز توجه‌م شده است! اوضمن دفاع از "انقلاب" و جمهوری اسلامی گوشه‌های دیگری از "معجزات انقلاب" را بر شمرند. رفسنجانی در تهران عربده کشید که: "انقلاب اسلامی یک معجزه است". او نیز مثل خا مته‌ای مدعی شد که: "آینده روشن است" و "دهه‌های زندگی آغاز شده است". او مثل همیشه یک قدم جلوتر گذاشت و مدعی شد که "ما می‌خواهیم کشور ما را با آزادی بسازیم که الگوی سایر کشورهای اسلامی باشد". دیگر سخنرانان در سایر شهرها نیز همین خط تبلیغاتی را پیش‌بردند. جوهره تبلیغات "دهه فجر" همین بود: آری مردم باور کنید آینه‌روشن است، دهه‌های دهه با سازی است، به‌خاطر خدا با زهم فریب ما را بخورید. هم‌سران و مبلغان جمهوری اسلامی، دست‌مانند خدایان بر سر و برانه، با نوازی و برانگیز خود وعده با دانی می‌دهند. اما مردم، در پی دهسال تجربه تلخ و خونبار، هم‌جنده و هم‌برانرا با دو چشم خود می‌بینند.

مردمی پرسند شما آقایان، مگر ده سال پیش همه‌سایه‌ای قبل همین وعده‌ها را نکرده‌اید؟ مگر شما وقتی که به قدرت رسیدید و وعده و برانگری کشتار داده بودید؟ مگر شما هر سال و هر ماه و هر روز نمی‌گفتید که به زودی همه چیز بر سر است، مردم در راه، عدالت اجتماعی برقرار خواهد شد؟ جمهوری اسلامی الگوی پیشرفت و آبادانی جهان خواهد شد؟ مگر شما وعده اصلاحات ارضی برای دهقانان، وعده دمکراسی و زندگی فاخر از استعمار برای کارگران، وعده آزادی برای زندگی بهتر برای کارمندان، وعده آزادی برای

در حالی که مقامات سرکوب رژیم اسلامی، زندانیان سیاسی را منتقل نموده و سیل خون به راه انداخته اند، در حالی که گرهبران و وکادها را حزب سیاسی که در صحنه دفاع زمین و مردم است، به دستار آویخته می شوند، در حالی که آزادشدگان از سیاه چال های ولایت فقیه را دوباره به زندان و مسلخ برمی گردانند و از زمین بیگانه می گردانند، در زمانی که خمینی سردهست جنايت پيشگان را تاب تحمل خود را در سر برانداخته و کتاب درکتوری هزاران كيلومتر دورتر از زمين مانيزا در دست می دهد و به جای سرورد فکری با آن، به قتل نویسنده و ناشر آن فتوا می دهد، برخی از سران ارتجاع در باره آزادی فعالیت احزاب و شرط و شروط و یا به سرایی کسب کرده و از اقدامات متعصمانه خود در این زمینه دم می زنند. آنها اکنون با آب و تاب می گویند که ۳۶ حزب و جمعیت ثبت نام کرده اند و تلاش دارند تا برای شعارهای خود بازاریگر می کنند. محتشمی گفته است که ۱۵ حزب و جمعیت از این مجموعه "حزب شناخته شده" هستند و وزارت کشور هم مشغول بررسی پرونده آنها است.

اما در اوج این شعاربراکنی ها، محتشمی گفته است که در قانون احزاب سال ۵۴ اجرا گذاشته نمی شود. این هم نشانه دیگری از آزادی سبزی پاداران ولایت فقیه است.

برای خمینی تن دادن به آزادی، هر چند محدود، به معنا به نوسین زهری، هزار بار کشنده تر از زهری است که هنگام تن دادن به صلح نوشتند. اگر رژیم از هر سو تحت فشار شدید قرار نگیرد، از مواضع فعلی یک قدم عقب نشینی نمی کند و سرکوب های خونخوارانه همچنان ادامه خواهد داد. گرهبران خمینی ها و فرستگانی که نابودند که اعوانان را منظر منتظری یعنی کسانی را که پاره شان آنها بوده است، به صلح کشیدند؟ گرهبران آقای وزیر کشور نبودند که در آنجا انتخابات مجلس سوم صریح و روشن به فعالیت احزاب احتیاجی نیست؟ مگر آن نبودند که اعلام کردند حتی معتزین درون هیات حاکمه را بدون رودربایستی کنار خواهند گذاشت؟ مگر آنها، نیستند آزادی را که تا امروز هزار بار رسوخند کرده است که قانون اساسی و جمهوری اسلامی را قبول دارد، تحت فشار قرار نهمی دهند و گاه با ویست حزب الله را برای برهم زدن بساط آنها رو نه نمی کنند؟ مگر این سیل خونی که به راه افتاده است و دهها هزار را خواهد زدند تا این سیاسی را ما شرم زده کرده و ایران را عزادار نموده است، به دستنور و تحت نظر همین "آقایان" نبوده است. اینها و هزاران دلیل که هر روز در زندگی اتفاق می افتد، موبد دشمنی کینه توزانه رژیم با آزادی است.

آزادی سبزی رژیم به معنای آن نیست که سعی نمی کنند با توسل به تبلیغات گسترده و دروغین این توهم را بوجود آورده اند که آزادی فعالیت خواهد داد. سخنان ری شهری در همپناه در این رابطه شایع است. این تلاش ها البته محکوم به شکست است. نه فقط به خاطر جنایات بی شمار رژیم، همچنین به خاطر اظهارات بر زمین آن در این باره که "حزب مجاز از نظر آنها از جهت قماش هستند. در این زمینه گفته های محتشمی که مسئولیت دادن مجوز فعالیت به احزاب را به او سپرده اند، به قدر کافی گویا است. ری شهری رئیس ساواک خمینی به نوبه خود در این باره گفته است: "احزاب سیاسی در کشور می توانند فعالیت کنند به شرط آنکه توسط دستگاه استبدادی علیه جمهوری اسلامی نداشته باشند". حال بسا و بسین که توسط دستگاه استبدادی چیست! در زمینه مورد بحث، صحبت های یک آخوند به نام موسوی لاری که از به اصطلاح روحانیون مبارز و از همکاران محتشمی و از دست اندکاران تهیه "قانون احزاب" است و یکی از روزنامه های لیبرالی آن را منسوخ کرده به قدر کافی گویا و بدون شرح است. بر طبق اخباری روزنامه این آخوند در سمیناری که به منظور بررسی قانون تشکیل شده بود، درباره فعالیت مارکسیست ها گفته است: "علاقتمندان آقای مارکس در خلوص می توانند هر طور که میل داشته باشند، فکر کنند، اما به آنها اجازه بحث و انتشار نظرات و اعتقاداتشان در این مملکت داده نخواهد شد". جناب آخوند لاری درباره سایر نیروهای مترقی گفته است: "کسانی که به قانون اساسی ما احترام نمی گذارند، جایشان در این جامعه نیست و توقعی هم از ما نمی توانیم داشته باشند". این آخوند همچنین به کسانی که در فکر تکرار مین حزب هستند گفته است: "که اگر آنها بخوانند از طریق جمع جور کردن دسته و گروه و ایجاد دستک و دفتر، اندیشه های خود را به ما برین تبلیغ نمایند. و این در این کشور جایی برای شان وجود ندارد". و به این ترتیب این آخوند آب پاکی را روی دست هم ریخته است.

آنچه این آخوند صریح گفته است، محتشمی و ری شهری پوشیده و با ملاحظه وضع سیاسی گفته اند.

وقتی که مرجع تشخیص توطئه و سنگ اندازی امثال خمینی، رفسنجانی، ری شهری و امثال آنها باشند، آشکارا و روشن است که هر اقدام آزادیخواهانه توطئه از بی بی شود و آزادیخواهان همچنان به بند کشیده شوند و سرکوب گردند. توجه کنید به میل و نیت و نظیر واقعی سران رژیم نسبت به آزادی و مدنظر سران دادن آن در همه فعالیت ها، همدا جزا و سازمانهای انقلابی و آزادیخواه، حفظ هوشیاری در برابر سرنوشت توطئه های دایمی سران رژیم را تا کربس می سازد. توجه کنید به این جنبه از مساله احزاب

همه احزاب سیاسی باید آزاد شوند

میکنند فعالیت جنبش و واحدهای حزبی کسب در شرایط ضرورت و احتیاجی از ایران فعالیت می کنند، همواره هوشیار با نیت که ما در ساواک خمینی، سیا و کمیته های وسیع و دهها واحد رنگارنگ سرکوب از فعالیت انقلابی آنها آگاهی نیابند، توسط آنها تعقیب شوند و تحت مراقبت آنها قرار نگیرند و در دام آنها نیفتند. عنصر ثابت در سیاست جمهوری اسلامی، کف، ردگیری، تعقیب و مراقبت، به دام انداختن، بازداشت فعالین جنبش انقلابی و متلاشی کردن واحدهای حزبی است.

یادآوری یک جنبه دیگر در بررسی مسئله مورد بحث ضروری است. واقعیت این است که سران رژیم علیه غرضیات و تمایل درونی خود، زیر فشار عوامل گوناگون قرار گرفته اند و برای کاستن از این فشارها، مجبور هستند ملاحظاتی را در مدنظر قرار دهند. عواملی که سرچشمه این فشار هستند، سیاسی و ملی مهمترین آنها جنبش است: اولاً، سرخشی نیروهای درون هیات حاکمه، به ویژه آنها که نیروی مسلط نیستند و با تحت فشار با نیت مسلط قرار دارند، برای حفظ مواضع خود از دست اندازی رقبای حکومتی به طرح نظرات و انتقادات خود و آزادی عمل در این زمینه زار دارند. از این رو آنها آزادی جناح های درون هیات حاکمه در بیان نظرات و انتقادات را طلب می کنند. این نیروها طبیعتاً وسیعی را در بر می گیرند و دارای مواضع متفاوت در برخی عرصه ها هستند. صحبت های منتظری و انتقادات صریح او در این باره و خرد را این رابطه است. کرجی آزادی که آنها را طرح می کنند محدود به آزادی جناحها، به پیشروان ولایت فقیه است و ما به زود قدرت حاد درون هیات حاکمه بیرون آید. ما این حال نظر به انگکاس این انتقادات در چارچوبی است که متوجه با نیت حاکم می کنند. نمی توان از سوی خمینی، رفسنجانی و دیگران نادیده گرفته خود و سرکوب کردن این جنبه از دست آنها، چاره جویی نمود. ثانیاً، افکار عمومی جهان علیه سرکوب شدن موجود به اعتراض برخاسته است. اعتراض جهانی و گستردگی گدگویی آزادی در کشور ما و نقض حق بشر توسط رژیم درجده است که ما حل حاکم کشورهای بیطرفانه سرمایه داری نیز نمی توانست نسبت به آن بی اعتنا باشد و در روابط خود با رژیم آن را بازتاب دهند. به همین دلیل است که ما معامع و محافل دولتی برخی از این کشورها انتقاداتی را علیه نقض حقوق بشر در ایران مطرح کرده اند و رژیم از این بابت نیز خود را تحت فشار احساس می کنند. این امر به نوبه خود سیاست خارجی رژیم را که در پی ترمیم روابط آن با جهان خارج است با دشواری هایی مواجه می سازد. ثالثاً، اینکه به ایران و ایران شده و با سازی جا معه همکاران خارجی و جلب متخصصین ایرانی، ناممکن است. تسود و متخصصین و روشنگران ایرانی که در خارج و داخل هستند، مثل آخوندها مگر نمی کنند و مثل آنها هم زندگی نمی کنند. جلب رعایت و همکاری آنها با اداه سیاست گذشته ناممکن است و هیچ اطمینان و تضمین و تا مبنی را در آنها بر نمی انگیزد. تعدادی نیست سران حکومت در این اواخر مگر در باره ضرورت بازگشت مهاجرین متخصص دانشمندی هستند و مگر در باره ما مین مالی و جانی آنها صحبت می کنند. با لاف و بیده این حقیقت نیز آزار کرده ایران کشور سرمایه داری است و نسل جدید میانی آن با فرهنگ و آداب و رسوم این جامعه بیرون یافته و تربیت شده است و با افکار عهد عشیق و مناسبات دوران فتودالی و دین سالاری و نظم سیاسی مبتنی بر حکومت آخوندها در تضاد است. دنیای کنونی نیز در جهت دوری هر چه بیشتر با این گونه افکار رومناست سیر می کند و قوی بشر، آزادی انسان و ارزش و اعتبار او را که هر چه وسیع تر می باید. این امر به ما زان و نیروهای راه حقوق بشر و آزادی انسان ها از قیود گذشته الهام می بخشد و آنها را نیرومندتر می کند، چیزی که سران

خودکام رژیم از آن بیم دارند. مجموعه این عوامل عینی، در پیوند متقابل با یکدیگر، رژیم را علیه غرض و نیت سبزی که دارد تحت فشار قرار داده و آن را به در نظر گرفتن برخی ملاحظات و تاخیر بخشی تصمیمات به منظور کاستن از این فشارها وامی سازد. این که منتظری گفته است "با تشکیل احزاب در کشور، دیگر ما لقا ن سوزهای علیه انقلاب و نظام نخواهند داشت و نمی توانستند ما تهمت بزنند" و ما نورمفیدی می گوید که: "دیگر کسی نمی تواند اینجا و آنجا دلیل است که محتشمی که در آستانه انتخابات مجلس سوم می گفت که جمهوری اسلامی به حوزب سیاسی احتیاج ندارد، حرف خود را پس می گیرد و در حرف فعالیت احزاب را می پذیرد و حتی منتظمی نیست که به موازات احزاب سرکوب احزاب انقلابی، به برخی نیروهای مذهبی طرفدار رژیم، برخی محافل دمکراتیک که فعالیت آنها خطری را متوجه رژیم نمی کنند و با شکل های توده ای و روشنفکری در یک چارچوب تنگ اجازه فعالیت علنی بدهند.

مسئله اهمیت این است که فعالیت جنبش بتواند از زمانه فنی که در فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور ایجاد می شود، در جهت تشریح مبارزه با اختناق و وسیع مردم حول خواسته های آن و سوق دادن آنها علیه رژیم ارتجاع بهره گیرند. در این راستا باید کوشید که بیرون نیروهای اجتماعی گوناگون شویق شوند که شکل ها، کانون ها و مطبوعات خاص خود را درست کنند و فعالیت قانونی آن را بکوشند به رژیم تحمیل کنند و از طریق آنها خواسته های این نیروهای اجتماعی را در جامعه طرح کنند و ما این را می گیرند. فعالین جنبش دمکراتیک، به ویژه فعالین جنبش کمونیستی ایران در این زمینه مسئولیت خود را در توده های تشکیل کانون ها، جمعیت ها، شکل ها و مطبوعات شهری، ادبی، اجتماعی و سیاسی، علمی و غیره قدم پیش گذارند آنها را تشکیل دهند، و حول آنها مبارزه و اعتراض را در این زمینه را متشکل کنند. تا بدینوسیله بتوانند کما مای بعدی را همراه با توده های که به این ترتیب متشکل شده اند دور میا زده تجربه شخصی اند و خواهند به جلو بردارند. تا به این ترتیب بتوانند از مکانها تا مکانها موجود، برای ایجاد مکانها بزرگ تر فراهم برای مبارزه توده ها علیه رژیم، عقب نشاندن و بالاخره سرنگون کردن آن توسط آنها بهره گیرند.

طرح مسئله آزادی احزاب نشان می دهد که این است بر این واقعیت که آزادی نیازمند جنبش است و جامعه ایران است. این حکم در پیونوم ۶۷ کمیته مرکزی سازمان ما با مراحت شما مطرح شده و رویه ها همگی بر صحت آن گواهی می دهند. این امر بدان معنا است که حقوق بشر با بدیهه طور کاملاً تا مین شود، آزادی های فردی، اجتماعی، سیاسی هر شهروند ایرانی باید تضمین شود، آزادی همه احزاب باید پذیرفته و رعایت شود، آزادی همه شکل ها، کانون ها و جمعیت ها باید پذیرفته شود، با بهره گزیده بیکرد، بازداشت و شکنجه مخالفان عقیدتی در همه اشکال آن قطع شود، با بدیهه به زندانیان سیاسی آزاد گردند، با بدیهه حکام اعداها لغو شود. در این میان مسئله تا مین آزادی همه احزاب و سازمان ها و شکل ها از اهمیت اساسی برخوردار است. ما خواهان آزادی همه احزاب سیاسی کشور و منع قانونی و عملی بیکرد فعالین آنها هستیم و ما را نیز محک آزادی خواهی هر رژیمی می شناسیم و هر رژیمی که آزادی های سیاسی را تا مین کند از نظر ما قانونی نیست.

تصریح موضع و درک ما از آزادی و تا کید ما بر آنچه که می طلیم به این خاطر است که نیروهای هستند که وقتی آزادی دفاع می کنند، منظورشان آزادی برای خودشان است و زمانی هم صدای اعتراض خود را بلند نمی کنند که تا تخفیف رژیم روبرو می شوند. این نیروها برای نمونه هم شده یکبار آزادی فعالیت احزاب و نیروهای انقلابی و کمونیست دفاع نکرده اند. موضع این نیروها که بیعت آزادی در شما معروف ترین آنها است، مورد انتقاد سازمان ما است. ما از این نیروها می خواهیم در مبارزه علیه استبداد مذهبی و در راه آزادی بیکبار باشند. دفاع طایع از آزادی فعالیت همه احزاب و سازمان های سیاسی کشور، خود این نیروها را به روز آزادی نزدیک خود می گرداند، دفاع از آزادی برخی نیروها و سکوت در مورد سایرین که از جمله احزاب اصلی جامعه اند، فقط باعث تضعیف مبارزه آزادی خواهان و بیعت است. استقرار آزادی خواهد شد. ایسی نیروها با بیعت از آزادی همه احزاب سیاسی را در مقابل با استبداد حاکم بپذیرند.

موضع اصولی ما در زمینه آزادی احزاب، به بقیه در صفحه ۳

همدستی رژیمهای ایران و ترکیه

محتشمی وزیرکشورخیمینی بعداز برگشت از ترکیه در اواسط بهمن ماه سال جاری، طی مصاحبه‌ای «دلایل سیاسی امنیتی سرفه‌ها تا علیرتبه سیاسی و امنیتی به‌ترکیه» را برشمرده و اعلام داشت که «هدف از این سفر، بررسی راه‌های همکاری همکار در زمینه کنترل مرزها و مبارزه با مواد مخدر، همچنین رفت و آمد اتباع ایرانی بود» و در تشکیل «کمیسیون مرزهای همگامی که کنترل بین دو کشور را یک بار با یکدیگر مهم‌توافق دانسته، افزود: «در مورد کمیسیون امنیتی قرار شده است یک کمیسیون مشترک امنیتی بین دو کشور بسته شود هر سال یک بار این کمیسیون برقرار شود و مسائل امنیتی دو کشور را مورد بحث و بررسی و تصمیم‌گیری قرار دهد»

آنچه که مسلم است اینها تماما متوافق‌ها یسی نیست که دوررژیم برترج منطقه علیه جنبش انقلابی و آزادیخواهان خود خلق همسایه با یکدیگر کرده‌اند. با این همه این قدمد گفته شده است به خوبی اهداف دوررژیم را آشکار می‌سازد.

رژیم جمهوری اسلامی که برای سرانگناه داشتن نظام قرون وسطی‌ای خود، در داخل میهن دست به هر جنایتی می‌زند، از مدت‌ها پیش کوشش داشته که عرصه را بر این نیروها بی‌همکه از دست شهکارهای جمهوری اسلامی بدهد. کوششهای دیگر مهاجرت می‌کنند، تنگ‌نار و به‌نگار آنها در خارج برپا زد. علاوه بر این برای مانع از عبور و مرور نیروهای انقلابی و تفریحخواه، کنترل مرزها برای

رژیم دارای اهمیت جدی است. در همین رابطه بود که از طرف «اداستانی کل کشور» در مهرماه سال ۶۴ اطلاعاتی مآرشد که در آن از حزب الهی‌های مقیم خارج از کشور آهسته شده بود که مخالفین جمهوری اسلامی را در خارج از کشور شناسایی کرده و به ارگانهای امنیتی رژیم گزارش کنند. بدین ترتیب کنترل مرزها، شناسایی انقلابیون در خارج از کشور و حتی تلاش برای ترور آنها، از مدت‌ها پیش

جزء هدف‌های رژیم بوده است. سفر محتشمی به ترکیه و توافق به عمل آمده را باید در چارچوب همین سیاست بررسی کرد. باید تا یکدیگر در زمینه مرز ترکیه از جمله مرزهای است که مرز به‌سوء استفاده از دست خودنها، از آن استفاده می‌کنند. رژیم ما را چه به مرزها و مستند ترکیه‌ای خود با دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی همگامی بیشتر رژیم ترکیه را در مورد سرکوبی نیروهای انقلابی جلب کرده است. البته تاکنون

رژیم ترکیه‌ها تقریبا برخلاف موازین بین‌المللی حقوق بشر تحویل رژیم آدم‌کش جمهوری اسلامی داده است که بسیاری از آنها بلافاصله در مرز توسط جلادان رژیم تیرباران گشته‌اند. گرچه مصاحبه محتشمی خود گویا ترارژیم توضیح دیگری است، اما مکتبی کوتاه روی موارد توافق شده برای اثبات ادعای فوق ضرورت دارد. وی در مصاحبه خود هدف از کنترل مرزها را، به‌سوء اصلاح مرزها مواد مخدر و کنترل رفت و آمد اتباع ایرانی ذکر کرده. آنچه که بر همگان معلوم است قدیم‌ترها مواد مخدر تنها پوششی است برای استار روپا حداقل رفیق ترشان دادن هدف اصلی رژیم. هدف اصلی رژیم، همانا کنترل مرزها است تا از این طریق بتواند «رفت و آمد اتباع ایرانی» را کنترل کند.

البته همان‌طور که قبلا نیز گفته شد، این نوع همکاری با رژیم ترکیه از قبل نیز بوده و با این همکاری تا مقدس توسط سازمان‌های ترقیخواه و انقلابی کشور از جمله سازمان‌ها افتخار است. آنچه که در این زمینه تا زکی دارد این است که این همکاری به‌گونه‌ای جدی تر و سازمان یافته‌تر صورت خواهد گرفت.

از جمله اهداف مهم دیگر این کمیسیون مشترک سازمان دادن توطئه مشترک علیه کردهای ایران و ترکیه است که در نقاط مرزی دو کشور خواهد رفت و به مبارزه با دلاخه خود علیه رژیم‌های مستبد و دو کشور ادا می‌دهند.

علاوه بر کمیسیون مشترک مرزهای، توافق به عمل آمده در مورد «تشکیل کمیسیون امنیتی» نیز که با هدف هماهنگ کردن اقدامات ارگان‌های سرکوب کردورژیم علیه انقلابیون دو کشور به‌خصوص انقلابیون کشور صورت گرفته است، به‌نحو آشکاری اتحاد ارتجاع دو کشور را به‌نمایش گذاشته است و چهره ضد ملی تقیها را بیش بر ملا خنثی است.

رژیم جمهوری اسلامی سعی دارد با گسترش هر چه بیشتر اختناق و استبداد در کشور کنترل شدید مرزها عرصه را بر فعالیت نیروهای انقلابی و ترقی خواه کشور تنگ کند. هتیار نیروهای انقلابی می‌توانند با این ترند رژیم را خنثی کرده و آن را از دست‌یابی به اهداف بلند خود با زارده، افشای اهداف رژیم و نیز اعتراف گسترده به رژیم ترکیه به‌خاطر نقی خن موازین بین‌المللی دارای اهمیت، جدی است.

اعتبار در میهن بلاکریته ما است.

رژیم بارها با بوق و کرنا به اعتقاد اعلام جنگ کرده است، شعار داده است. میرغضب هم‌ا را راهی اقصی نقاط ایران کرده است. قتل و کشتار و بکیرو به بند راه انداخته است. زمانی میرغضیهای رژیم به سرکردگی خلخال و جلدو همرا به دست‌های آدم‌کشان و حرقات در نقاط مرزی کوشه‌ها قتل و کشتار قاچاقچیان جزء مشغول شدند. مرزی از آن اعلام شده دیگر مشکلی به‌نام اعتبار وجود نخواهد داشت. اما با زهم اعتبار دسینا از پیش جوانان و نوجوانان میهن مان وادرا کم خود فرورد. مختار کلانتری، فرمانده کل «کمیته‌های انقلاب اسلامی» در تیرماه سال ۶۵ اعلام داشت: «مبارزه با قاچاق مواد مخدر بر عهده کمیته‌ها و گذار شده است». وی در همین مصاحبه و ده‌ها ده‌ها ده‌ها سال ۶۵ با کلیه قاچاقچیان مبارزه قاطع خواهد کرد و در پیش «مواد خانمانسوز» را خواهد خشکاند. سال ۶۵ تیرسری در اعدام‌های قاچاقچیان و رزخ‌خوانی‌های کلاختری نیز به‌جایی نبرد و اعتبار و خرید و فروش مواد مخدر به‌تنها گم نشد، بلکه افزایش نیز یافت. طبق آمار منتشره از سوی رژیم بیش از ۴۵ تن مواد مخدر در سال ۶۶ کشف شده که ۳۶ تن آن تریاک و ۱/۵ تن آن هروئین و باقی حشیش و مرفین بوده است. در همین زمان (یعنی سال ۶۶) ۲۱ هزار و ۳۲۲ نفر دستگیر شدند. ۱۱۱ نفر از آنها به اعدام محکوم شدند که حکم اعدام در مورد ۱۶ نفر صادر گشته شد. در ضمن ۱۸۸۲ نفر نیز به زندان‌های طویل‌المدت محکوم شدند. اما با زمانه اعتبار دهمچنان حاصل نشده باقی ماند.

بد این ترتیب نه‌قصابی‌های خلخال‌سی و نه رزخ‌خوانی‌های کلاختری و نه اعدام‌ها و دستگیری‌های وسیع سال ۶۶ همچنان نکه از پیش روین بوده است. نتوانست ساله اعتبار در حق ذره‌ای نیز تعدیل کند. ازدهای اعتبار دسینا از پیش بر سر میهن جنگ انداخت.

رژیم بدون اینکه ذره‌ای از گذشته عبرت بگیرد، همچنان در تکرار کشتار وسیع است و تبلیغ آن به عنوان راه حل مبارزه با اعتیاد است. به همین خاطر نیز قانون صادره و لایحه مرزها به‌سوء استفاده قاچاقچیان تصویب و به اجرا گذاشته شده است. نسخه‌ای از این‌ها برای حل تمام مسائل و مشکلات در کله و محمد تقیها وجود دارد کشتار است از این رو در دور جدید به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر نیز اعداد موسوم و عده داده شده است.

رژیم خود را مل اقلی کسترش این بالای خانما نسومی باشد. از یک طرف بر اثر سیاست‌های بی‌غایت ارتجاعی رژیم، بر اثر استبداد، بی‌سواد قانونی، هرج و مرج، نا امنی، بیکاری و آجی - روحیه‌های و نسومیدی در جوانان، مجموعه شرایط مادی و معنوی کسترش اعتبار در کشور ترا هم‌گفته است و دست‌گاه موروگراسی رژیم یک رای اصلی قاچاق مواد مخدر است. از سبب قاچاقچیان حزب الهی و حزب الهی‌های قاچاقچی در زندانها، یک نمودار ساده و واقعیت‌آمیز است. مکرر به این است که طباطبایی با نزدیک خمینی به همین جرم چند سال پیش در آلمان غربی دستگیر شد و با پای در میانی مقامات درجه اول رژیم آزاد شد.

مبارزه با اعتبار دلاخه‌هاش نبل از همه‌ها این است که در زمینه‌های مادی و معنوی گدا اعتبار دسینا بیشتر از اعتبار توسعه‌یابد، از این برود. به‌سوء استفاده از آن ضرورت دارد که قاچاقچیان مواد مخدر، در درجه اول با عاملین اصلی و عمده در تجارت مواد مخدر و جوانان میهن دستار و شریکان آنها در حکومت قاطعانه مبارزه شود.

راه‌حل‌های کنونی جمهوری اسلامی برای مبارزه با اعتبار، نه متوجه از بین بردن زمینه‌های مادی و روحی کسترش اعتبار، و نه متوجه هر سیستم کوبیدن حلقه‌های اصلی و عمده در این سوادگیری مرگ است. راه‌حل‌های رژیم عمدتا تا مسلسل دستگیری سوادگراسی است که دیوارشان از ما برین کوتاه تر است. البته این سوادگران باید تا تکلیف بر قانون و به‌سوء نجات جامعه از بلای اعتبار دسینا بیگیران مبارزه کرد. اما چنانچه مبارزه با اعتبار عمدتا متوجه این حلقه‌های ضعیف تر بسط اعتبار دسینا، و چنانچه راه‌حل تنها اعدام در نظر گرفته شود، به‌گواه همه تجارب هیچ ساله‌ای حل نخواهد شد.

واقعیت این است که رژیم ارتجاعی‌های مبارزه با اعتبار دوگانه‌ای از قاچاقچیان را درست به‌هنگامی راه انداخته که مشغول قتل عام زندان‌هاست. یکی از اهداف‌های ضد بشری رژیم از این اقدامات همانا تلاش برای منحرف کردن توجهات از کشتار زندان‌هاست و سیاسی و فریبنا دادن آن جنایات هولناک با هیاهوی خونین مبارزه با اعتبار است. این نمایش شیطانی بیش از پیش اثبات می‌کند که نه‌خود مبارزه با اعتبار بلکه سوء استفاده از این مبارزه منظور حکومتیان است.

هیاهوی خونین " مبارزه با اعتیاد "

با ردیگر جنجال بکیرو به بند قاچاقچیان مواد مخدر در رسانه‌های خبری و گروهی آغاز شده است. میرغضب‌های رژیم برای به اصطلاح رینه - کنی اعتبار آستین بالا زده‌اند. تاکنون حدود ۲۵۰ تن از قاچاقچیان در دادگاه‌های انقلاب اسلامی محاکمه شده و قتل و کشتار شده‌اند.

همراه با این بکیرو به بندها و موج وسیع کشتارها، تبلیغات گسترده‌ای نیز راجع به شمر بخشی آدمکشی به راه انداخته‌اند. محتشمی سرکرده میرغضب‌ها مدعی شد که: «اگر قاطع این قانون مردم را در مبارزه با خطر مل مشکلات اعتبار دسینا و راجع به خود را در قاچاقچیان برای خوی مواجه شده است».

موج جدید آدمکشی تنها به اصطلاح راه‌حلی است که رژیم برای مبارزه با اعتیاد ارائه کرده است. در کشور ما اعتبار دسینا به یک بلای همگانی تبدیل شده است. از آغاز به قدرت رسیدن رژیم فقها، به‌نوعی از میزان اعتبار دسینا شده، بلکه به‌طور حتم تا کنونی بر تعداد معتادین افزوده گشت. اعتبار دسینا جوانان و نوجوانان را آه و سویی بافت و تنها مدارس ابتدایی نیز را به‌بافت. بیکاران و به خصوص جوانان بیکار، طعمه خوبی برای شکارچیان انسان‌ها، یعنی سوادگراسان بزرگ مواد مخدر می‌باشند. این فرودگراسان مرگ به‌راحتی خیل‌های جوانان را در دام خود گرفتار کرده‌اند.

مساله اعتبار دسینا، خصوص در برخی شهرهای مرزی بیداد می‌کند. خودنما بینگان مجلس فرما بیسی رژیم و مطبوعات رسمی نیز به این مساله دهها بار اعتراف کرده‌اند. یکی از نمایندگان در همین مورد اعتراف کرده که: «بیش از ۵۰٪ دانش‌آموزان مدارس حوزه انتخابش، شرفروچان و حومه آن، معتاد هستند. در گزارشی از شهرتایب در همین رابطه جنسین می‌خوانیم: «تعداد جوانانی که علاوه بر قاچاقچی‌گری سایر اجناس، دست به قاچاق مواد مخدر در می‌زنند، نسبت به چند سال پیش افزایش یافته است. این رقم در بین محصلین نیز در سال افزایش می‌یابد. به‌طوری که تعدادی از جوانانی که مردم آنها را خیلی آدم‌های ساده می‌پنداشتند، به‌جرم قاچاق مواد مخدر در قاچاقچیان، اکثر زندانی‌های این منطقه را قاچاقچیان مواد مخدر تشکیل می‌دهند. اکثر این زندانیان را جوانان تشکیل می‌دادند».

اعتیاد مدت‌ها است که به یک مساله حاد خانوادگی تبدیل گشته است. بسیاری از خانواده‌ها نگران نرسوخت فرزندان خود هستند. به‌طوری که نه در مدرسه برای فرزندان خود امنیت احساس می‌کنند و نه در جامعه.

بر اثر مجموعه شرایط مساعده که به بکریت خاکمیت فقها در میهن مان ایجاد شده است، اعتبار دسینا روبرو ز واگسترمی شود. بیکاری یکی از عوامل جدی کشیده شدن مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به قاچاق مواد مخدر و اعتبار دسینا است. وقتی بیکاران از همه‌جا نومیدی شوند، به‌سوی چنین کارهایی سوق داده می‌شوند. امروز قاچاق به‌یکسانی از راه‌های تامین معاش زندگی برای انبوهی تبدیل شده است.

با س ونومیدی مردم، به‌ویژه جوانان و نوجوانان نسبت به آینده خود و نیز شرایط غیر قابل تحمل مادی و روحی جامعه، از عوامل دیگر کسترش اعتبار دسینا است.

بظورت مثال مدرسه، دبیرستان و حتی دانشگاه به‌جای محلی برای تربیت صحیح کنفری، روانی دانش‌آموزان نشو به محل عذاب آنها تبدیل گشته است. دانش‌آموزان و دانشجوینان سا اعتبار دسینا به مهملات معلما حزب الهی گوش فراده‌ند. معلمین و استادان مترقی نیز از کشتار کار محروم گشته‌اند و آنها بی‌هم‌کافی مانده‌اند در حصار تنگ آموزشی محصور گشته‌اند. افزون بر این‌ها حق کشی‌ها، تبلیغ‌ها و رفتار رجویان مسئولین با مردم و جوانان، تا شیرات مخربی بر جامعه وارد آورده است. بسیاری از مردم با روحیه تحقیر شده در بنیال بنا‌ها می‌برای خود هستند. همه مراکز تفریحی و سالم توسط رژیم برچیده شده‌اند. تنها نوسه خوانی و شیون و زاری در قبرستان‌ها آزاد است. هر گونه موسیقی که «طرب انگیز» باشد توسط فقهای مترج قذغن شده است. نه تنها از آزادی‌های سیاسی، اجتماعی در کشور خبری نیست، بلکه مردم حتی در تعیین نوع لباس خود نیز آزاد نیستند.

معموعه این شرایط از یک طرف و دستگیری توسط مواد مخدر و خودم تبدیل آن به یک مرمعاش برای بسیاری از سوی دیگر، از عوامل مهم کسترش

دهال سبز...
 نمایندگان کارگران، از همان آغاز انقلاب، یکی از مطالبات محوری طبقه کارگر بوده است. قانون کار زمان شاه در اصلی ترین خطوط خود منجمد در عرصه های مربوط به امنیت شغلی و حق کار، حق برخورداری کارگران از تشکلات صنفی مستقل و حق اعتصاب، قانونی فدکا رگری بود. کارگران خواستار تدوین قانون کاری مترقی و دمکراتیک بودند. قانون کاری که در خورا انقلاب ویا سخگوی حواشج اولیه و اساسی آنها در عرصه حقوق سندیکا یی باشد. اما سران رژیم نشان دادند که چقدر با این مطالبات حق طلبانه توده های بیگانه اند. از همان ماه های اول، دولت با هر گانه، خواستار طبقه کارگر مبنی بر جایگزین شدن قانون کاری مترقی به حای قانون کار پیشین را تمعنا تا ششده گرفت و سعی کرد قانون کاره را با مختصری رنگ و لعاب همچنان حفظ کند. با زرگان حتی حاضر به لغو ماده ۳۳ قانون زمان شاه نیز نشد. بنی صدر نیز همین راه را دنبال کرد. جنگ ایران و عراق این مجال و امکان را به رژیم داده که خواست های عدالت خواهانه و دمکراتیک توده ها را نه تنها نادیده بگیرد، بلکه سرکوب کند. با تثبیت با هر گانه، خواستار آخوندی در اواسط سال ۶۰، تعرضی ارتجاعی و فوق العاده مخرب از جانب رژیم علیه ابتدایی ترین و بدیهی ترین حقوق صنفی کارگران صورت گرفت که نقطه عطف آن بر گماری مرتجع دو آتشه ای به نام احمد توکللی توسط آیت الله خمینی به وزارت کسب و کاری جمهوری اسلامی بود. توکللی قانون کاری شیشه کرد که آینه تیره نمای ولایت فقیه در عرصه مناسبات مربوط به حقوق کار بود. قانونی کسه بر بریت و تحقرا زیند بند نمود آن می بارید. ایسن قانون نه تنها ناقص و نادره ای ۷۰ ساله خمینی سندیکا یی ایران بلکه نافی ابتدایی ترین موازین حقوق بشروید. در یک کلام باید گفت ایسن قانون تنها شایسته و در خور ولایت فقیه بود.

با انتشار رپیش نویس قانون کار توکللی، جامعه متگان خود و طبقه کارگر غلبان آمد. نه "مقتضیات" با زدا رنده جنگ، نه حمایت های خمینی ورفسنجانی از توکللی و نه تصویب این پیش نویس در هیات دولت، هیچکدام منبناست غلبان خشم داد خواهان توده های میلیونی کارگران ایران را فرو کوید. جنبش حقوق کار با شعار تری دیکتر جنبش قانون کار را از او خرسال ۶۰ سالگرفت و در سال ۶۱ به اوج رسید. هزاران طومار اعتراض و امضای صدها هزار کارگر از کارگاهها و کارخانه های سراسر کشور، زنگوره یزخانه ها و کمیوت سازی هسا گرفته تا نفت و فولاد، علیه این قانون ارتجاعی به سوی رژیم سرازیر شد. در سازماندهی این جنبش اوج گیرنده توده های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران نقش درجه اول داشتند.

پیش نویس گذاری با شرایط جامعه ایران آنچنان بیگانه و در ترفا دیود، و جنبش قانون کار نیز آنچنان گسترده و توده ای بود که حتی کارونیه و محافل وابسته به حاکمیت نظیر "خانه کارگر" نیز نمیتوانستند رهایی و اعتراض خود را نسبت به آن پوشیده دارند. این کارزار در عین حال، جدال نظری و سیاسی میان سران رژیم به ویژه ققهای حاکم رابرس "موازین شرعی ناظر بر حقوق کار" تشدید کرد. مباحثه و جدل بر سر حاکم و لیه و نا تویه و "فقه سنتی" و "فقه پویا" به طور مشخص بر سر چگونگی انطباق حاکم و صدر اسلام با مقتضیات جامعه معاصر، حدت گرفت و این جدال بیش از همه در کشاکش های مجلس شورای نگهبان با زرتساب یافت. خمینی بعد از مدتی تا مل سرانجام در پانزدهم ۶۱ جانب شورای نگهبان را گرفت. اما مقناومت توده ای کارگران و افشاکگری بی امان نیروهای سیاسی پیشرو، آنچنان گسترده و نیرومند بود که تثبیت خمینی نیز نتوانست در تحمیل این پیش نویس "مدرد رسد اسلام" توکللی کارگزار افتد.

شکست فضا حت بار رژیم در احوای ایسن توطئه فدکا رگری و مبتغان بر کناری توکللی از وزارت کار، یکی از پیروزی های مهم جنبش کارگری ایران طی ده ساله اخیر است. شکست رژیم در تحمیل این طرح ارتجاعی به طبقه کارگر، در واقع شکست ولایت فقیه بود در یکی از مهم ترین عرصه های مناسبات اجتماعی، یعنی حقوق کار. بی توان گفت این شکست، نخستین شکست بزرگ خمینی در تطبیق ولایت فقیه بر جامعه ایران بوده است.

در بهمن ماه ۶۲، وزیر کار ردید، سرحدی زاده پیش نویس دیگری ارائه داد که مفایر پیش نویس توکللی بود و بیشتر با ضوابط یک قانون

کار مبتغارف نظیر قانون کار زمان شاه همچنانی داشت، اما از آنجا که ناقص برخی از اساسی ترین حقوق صنفی کارگران بود، با نارضا یی و مخالفت کارگران روبرو شد. در اربیهشت ۶۱ نیز رژیم تغییراتی در جهت تعدیل و اصلاح آن صورت داد اما این املاحت محدود نیز از خطت ضد دمکراتیک آن جزیی نکند. سرانجام این پیش نویس با برخی حرج و تعدیلات در شربور ماه ۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و تحویل شورای نگهبان کردید ولی شورای نگهبان از تا شید همس قانون ضد دمکراتیک نیز خودداری کرد و با طرح یک رشته ایرادهای "شرعی" و عمیقاً فدکا رگری، تصویب نهایی آن را به عهده "مجمع تشخیص مصلحت گذاشت. سرنونت قانون کار را اینک پس از ده سال حاکمیت جمهوری اسلامی، در اختیار "مجمع" کسرو نونت خود آن نیز تا معلوم است، گذاشته شده است.

طبقه کارگر پس از ده سال، همچنان در راه تدوین یک قانون کار مترقی مبارزه می کند. اما رژیم جمهوری اسلامی تا کنون از تدوین و تصویب قانون کاری که رفایتنی با واقعیات جامعه ما داشته باشد عاجز بوده است. هر چند تکلیف قانون کار جمهوری اسلامی روشن نبوده و نیست اما تکلیف رژیم در برابر طبقه کارگر و حقوق آن، در این ده سال روشن تر از آن بوده است که به قانون بی ادا شده باشد. "قانون" او بی قانونی است. "قانون" و تسادوم هر ج ورح در مناسبات کار، تسادوم بهره کنی و تسدیه محرومیت های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کارگران، قانون سرکوب ابتدایی ترین و بدیهی ترین مطالبات صنفی و سیاسی طبقه کارگر بوده است.

تشکل های صنفی کارگری: برخورداری از تشکل های صنفی مستقل کارگری، در حریفان انقلاب بهمن، نه تنها یک خواست بلکه یک دستاورد بزرگ کارگری نیز بوده است. کارگران پس از رالها محرومیت از حقوق و دمکراتیک و آزادی های سیاسی و سندیکا یی، در جریان انقلاب موفق شدند رسیاری از واحدها تشکلهای مستقل و واقعاً دمکراتیک خود را برپا کنند. شما کثیری از این تشکل ها ازل کمیده های اعتصاب بیرون آمده بودند. در رسیاری از واحدهای مهم که کارفرمایان و مدیران آنها متواری شده بودند، کارگران از طریق همین تشکل های خود در اداره تولید نیز نقش فعال به عهده گرفتند. ایسن آزمون یکی از بارزترین دستاوردهای انقلابی جنبش سندیکا یی کارگران ایران بود که تحت عنوان حقوق شورایی کارگران با ظهور رسید. این دستاورد آنچنان عینی و انگارنا بدید بود که حتی سران رژیم نیز ابتدا بران صحت گذاشتند، اما آنها که تیسر و ی کارگران را در صرا ریه علیه رژیم شاه دیده بودند، از همان روزهای پس از انقلاب خطی را دنبال کردند که به موجب آن با بستن تشکل های کارگری بر آمده از انقلاب با سودیای مسخ شوند، سازمان هسای توده ای و دمکراتیک کارگران مختل گردد و در عوض تشکل های دست نشاند و کوش به فرمان ایجا دشوند. نخستین بورش گسترده رژیم به قانون ها و تشکل های کارگری، حمله سازمان یافته و سیاسی حزب الهی در مرداد ماه ۵۸ برای اشغال خانه کارگر، خارج کردن آن از دست نمایندگن و اکتس کارگران و تبدیل آن به یک کارتون کارگری دست نشاند حکومت بود.

در مهر ماه ۵۸، دولت با زرگان به طور محرمانه تلاشها و تشکلهای کارگران را به منظور سرکوب و شکست آنها فرمت انتشار و احوای رانیا یافت. سپس از با زرگان، بنی صدرا شعار "شورای شور" به میدان آمد، اما پس از مواجهه با واکنش شدید کارگران، رسالت دولتی کردن شوراهای کارگری را با تدوین پیش نویس قانون ۱۶ ماده ای شوراها به عهده گرفت. یکی از مواد این طرح ۱۶ ماده ای، تطبیق شوراهای کارگری در واحدهای صنعتی و اقتصادی و صنعتی کشور نظیر نفت، ذوب آهن و نظیر آن بود و این سیش از هر چیز از هر ساز رژیم وجود تشکلهای کارگری در واحدهای استراتژیک و صنایع کلیدی ناشی می شد. این زینتی صدر، توکللی با این شعار که "ما در اسلام نظام شورایی نداریم، نظام ولایتی داریم، به جهت تشکل های کارگری آمد. بورش توکللی برای تطبیق و انحلال شورا هسای کارگری در ۶ دیماه ۱۳۶۰ نقطه عطفی در اوج گیری تعرضات رژیم علیه تشکل های کارگری بود. متعاقباً ضربه به شوراها (به ویژه شورا های کارگری واحدهای صنعتی)، در فروردین ۶۱ بورش شد که سندیکاها (که عمدتاً در صنوف و واحدهای صنعتی بودند) شروع شد و تشدید گردید.

در نخستین بورش ۲۴ سندیکا منحل اعلام شد و تعرض او با شان حزب الهی برای تصرف مراکز و دفاتر سندیکاها و دستگیری و شکنجه فعالین سندیکا یی گسترش یافت. نشریات سندیکا یی علنی و غیر علنی نظیر اول ماهه (ارگان سندیکا های

خیاط، کفایش و یافته سوزنی)، نشریه اتحاد دنیس نشریات سندیکا یی رشته ای با منطقه ای توقیف شدند و با نحت فشا ر و بیگرد عوا مل رژیم قرا ر گرفتند. این تعرضات او با شاه، با اساتید نگران و هراس روز افزون رژیم از سازمان های توده ای کارگران حول جنبش قانون کار ناشی می شد. مسئولین عوا مل حزب الهی تا حدی که چگونسه از پس هر طومار اعتراضی به تدریج یک تشکل سر بر می آورد و زها هکی حرکت ها رفتار فتنه سازان های رشته ای و منطقه ای شکل می گیرند. در سال ۶۱ رود سازمان های توده ای کارگران با آهنگی به مراتب سریع تر از اختلالات ناشی از روند انحلال تشکل های صنفی پیش رفت.

پس از بورش رژیم به حزب توده ایران و سازمان ما، موقعیت تشکل های صنفی کارگری بد نحو کا صلا محسوس تضعیف شد. شماری از آگاه ترین و دانشور ترین فعالین سندیکا یی، با نفوذ ترین سازمان توده ایران صنفی و محر ب ترین نمایندگان کارگری احواج، دستگیر و با حنی اعدا شدند. در جریان اجرای قانون "سازای" نیز عده ای از شایسته ترین و کار آزموده ترین نمایندگان شوراها، سندیکاها و تشا و نی ها تشویه یا با زدا شدتند. این هسا ضایعات بزرگی برای جنبش سندیکا یی طبقه کارگر ایران بود.

پس از سرکوب و تضعیف قوی ترین شوراها و سندیکا های کارگری کشور، رژیم کارگرسبز خمینی، شرایط را برای ایجا دو تمحیل تشکل های فرمایتنی مسأ عددید و در تاریخ ۴ بهمن ۶۲، اقدام به تصویب "قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار" کرد. این قانون ارتجاعی ناشی از اساسی ترین و جوهرومیت به حق تشکل صنفی کارگران بود. مهم ترین شاخص های ضد دمکراتیک بودن آن عبارت بودند از: ۱- نقض حق و آشکار حق برخورداری کارگران از تشکل صنفی مستقل، ۲- نقض حق مبارکت کارگران در برنا مهربزی و اداره تولید، ۳- مناسبت از تشکل سازی سازمان های صنفی در واحدهای بزرگ دولتی و صنایع کلیدی از قبیل نفت، فولاد، مس و غیره.

رژیم، پس از تصویب این قانون، یک آشین نامه اجرایی در مورد چگونگی انتخابات شوراها تدوین کرد تا امکان راهیابی "عناصر نامطلوب" در رهبری شوراها را منصفی سازد. برای عمل کردن این طرح، پس از ماهها زمینه سازی و سیج ارگان های مختلف از وزارت اطلاعات گرفته تا انجمن های اسلامی و دوا بریاس زسی و حواسات، وزارت کار گرفته تا خانه کارگر و واحدهای سیج کارگری، اقدام به سرکوباری انتخابات فرمایتنی شورا های اسلامی کار نمود. آیین نامه اجرایی انتخابات شورا های اسلامی کار ضد دمکراتیک تر از آن بود که شورای نگهبان بنوا سد بران ایسارد فرعی بگیرد. بدین ترتیب از اوا خرز مستمان ۶۴، انتخابات فرمایتنی شورا های اسلامی کار آغاز شد. اما همین انتخابات نیز علیرغم تمهیدات رژیم به یک کارزار افشا گرانه جدی علیه رژیم و سیاست های فدکا رگری آن بدل شد. در رسیاری از واحدها عوا مل دست نشاند رژیم علیرغم تسول به انسواع تقلبات نتوانستند حداقل آراء لازم را نیز به دست آورند.

در برابر شرایط خفقان باری که رژیم خمینی در راه بر گزاری آزاده و دمکراتیک تشکل های کارگری بدیده آورد، سازمان ما از آغاز سال ۶۲، ضرورت تشکیل هسته های صنفی کارگری را به مثابه سندیکا های صنفی شرایط اختناق در دستور وظایف سازمان نگرا نه کارگران پیشرو قرار داد. این هسته ها با برخورداری از همه عرصه های علمی فعالیت سندیکا یی و تلفیق کار رخی و علنی تلاش می کنند با سازمان نگری اعتراضات توده ای کارگران و طوطه قلع و قمع تشکل های کارگری توسط رژیم را خنثی کنند.

امنیت شغلی: توده های ترین خواست صنفی کارگران در جریان انقلاب، لغو ماده ۳۳ قانون کار زمان شاه بود. توده های میلیونی طبقه کارگر خواستار تامین امنیت شغلی و تثبیت حق کار بودند. ماده ۳۳ مجوز اخراج کارگران با برداخت مبلغی ناچیز به عنوان غرامت اخراج به آنها است. این ماده در سراسر دوره ده ساله رژیم خمینی نه تنها لغو نشد بلکه از آنجا که بود به مراتب ارتجاعی تر شد. بدین معنا که ماده ۲۷ قانون کار اسلامی مصوب مجلس، مجوز اخراج کارگران است، بدون آن که حتی آن مبلغ ناچیزی را که طبق ماده ۳۳ به کارگر اخراجی تعلق می گیرد، به کارگر بدهد. در رژیم جمهوری اسلامی، امنیت شغلی کارگران نه تنها تا مین نشد، بلکه بیش از پیش به خاطر افتتاده است.

اما عملکرد جمهوری اسلامی در رابطه با

به سازمانتان کمک مالی کنید!

فتوای تروویستی بجای مبارزه عقیدتی

فتوای حکم قتل نویسنده و ناشران کتاب "آیات شیطان" از سوی خمینی، فضاحتی تازه از استبداد مذهبی ورژیم تروریست ختنای قاجار بر میبندد. کتاب "آیات شیطان" در میان تازهای آزادی سلمان رندی، نویسنده هندهای اصل است که در انگلستان اقامت دارد. آن طور که خود نویسنده گفته است، "کتاب او که در انگلستان و طبع و نشر یافته است، یک زمان تخیلی است که تصویرگر زشتی ها و نیکی ها است و برخلاف آنچه که با زتاب داده اند، متوجه هانت به معتقدات دینی و اسلامی مردم نیست."

در پی چاپ و نشر این رمان، خمینی فتوایی صادر کرد و آن را اعلام نمود:

"به اطلاع مسلمانان غیور سرسارجه ها ن می رسانم مولف کتاب آیات شیطان که علی بن هجین و ناشرین مطلع از محتوای آن محکوم به اعدام می باشند. از مسلمانان غیور می خواهم که در هر نقطه که آنها را یافتند سر بر آنها را اعدام کنند تا دیگر کسی جرئت نکند که به مقدسات مسلمین توهین نماید. هر کس در این راه کشته شود شهید است. انشاء الله تعالی. فیما آن گزینی دستری به مولف کتاب با درولی خود امکان اعدام و رانداری، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم"

به دنبال فتوای خمینی، هیاهو بزگرگی پیرامون کتاب به راه افتاد. خاتمه ای تسرورت اعدام ناشران تکرار کرد. دسته های پاسدار در خیابان های تهران رژه رفتند و برای اعدام نویسنده و ناشر آیات شیطان، اعلام مادی نمودند، نظا هر کس که در حرفه ای رژیم نیسز در خیابان ها به راه افتادند و سوارت انگلستان، در تهران توسط جمعی از آنان سبک ران شد، جمعی هم در هند و پاکستان دست به تظاهرات زدند. حتی در پاکستان این تظاهرات به درگیری کشید و نشر کننده شدند. رژیم خمینی یک روز برای عمومی در کشور اعلام کرد و سر حجابنا تان را، با زارتشوران راستند، آوندها حوزه را تعطیل کردند و یک آونده مرتجع چند میلیون دلار جایزه برای قتل نویسنده تعیین کرد.

هیاهو در همین سطح محدود شده و وزارت خارجه رژیم هم پایه میدان گذاشت. ولایتی وزیر خارجه

خمینی خواستار اجلاس ایران کشورهای اسلامی شد و آنها را دعوت کرد که به فتوای خمینی لبیک گویند. او سران کشورهای اسلامی را به دلیل سکوت در باره این کتاب مورد نکوهش قرار داد. به این ترتیب موضوع مورد علاقه خمینی، به طور رسمی از محراب دیپلماسی خارجی رومی و در مقیاس جهان اسلام با زتاب داده شد. اما با سخنی که وزارت خارجه دریافت کرد، اعتراض رسمی از سوی برخی از کشورهای اسلام این رویداد، آنها را شرح و تفصیلی کند پیدا کرده است، بسیار گویاست. خمینی که به دلیل خیانت به آرمان های انقلابی مردم ایران و جنایات عظیمی که علیه مردم و میهن ما مرتکب شد، موقعیت خود را به عنوان یک مرجع مذهبی مورد اعتماد از دست رفته می بیند، اکنون با استفاده از هر چه نه ای می گوید، بیرون نقش خود به عنوان "نگهبان جهان اسلام" هیاهو را آتازد.

تکاف عظیمی در عملکرد رژیم خمینی و معتقدات و باورهای اسلامی توده های مسلمان، ترندهای خمینی را بی اثر می سازد. مردم به تنهایی در کشور ما، بلکه در همه کشورهای اسلامی اکنون دیگر جمهوری اسلامی را در برابر آرمان های سرافرازان، انسانیت، آزادی و عدالت خواهانه خود می بینند. از نگاه توده های مردم ما، این خمینی است که با خیانت به آرمان و انقلاب، با او را و مقدسات اسلامی شان را به بازی گرفت، با سالوس وریسای آوندهی آگندوبه این ترتیب آنها را خندسار ساخت.

روشن جبارانه و مردمی خمینی که با برپا داشتن جوچه های اعدام به اصطلاح از اسلام ساداری می کند، همانگونه که در کشور ما تفرق و تفرق مردم را علیه ویرانگی در مقیاس مردمی کشورها و اسلامی و جهان نیز جزا نروای بیست و آواز و دروغین او شمری به بار نخواهد آورد.

ناگفته پیداست که برای هر انسان آزاد و مردم دوستی احترام به معتقدات و باورهای اسلامی و دینی مردم، اصل خدشه پذیر است. در عین حال هر انسان آزاد و مردم دوستی به آزادی معتقدات و باورهای دینی و غیر دینی با بیند است. برای چنین انسانی نبردا ندیده ها و انتخاب آزادانه ندیده ها مطرح است. وقتی خمینی یک نویسنده هندهای و آنتیا به این دلیل که معتقدات و سبوی معتقدات و ورژینش در سردارد، مستوجب سبک می شناسد، این تنها و تنها سبک است که می شناسد و در می خرد و رژیم او است. اسلام با بی خمینی علیه خیال های خائن، به مردم مسلمان دیگر کشورها تصویر زنده ای از آن

استبداد دویبداد مذهبی که در کشور ما شط خون جاری کرده است را که می دهد او این حقیقت را به شسوت می رساند که خمینی نه تنها برای مردم ما، بلکه برای مردم دیگر کشورهای اسلامی نیز خواستار سطره خوین استبداد مذهبی است.

کتاب خمینی در سد و فتوای قتل نویسنده هندهای، در عین حال هشدار برای همه ما فیصله تری خواهد و آزاد اندیش جهان است و بر ضرورت گسترده ترساختن اعتراض های جهان علیه رژیم تروریست و ختنای قاجار برای گواهی می دهد. مبارزه بیکر همه محافل تریخواه جهان، به سوی مبارزه نیروهای تریخواه و آزاد اندیش کشورهای اسلامی تروویسم رژیم خمینی از آن رودارای اهمیت است که این تروویسم همانگونه که در تجربه کشور ما به ثبوت رسید، به تنهایی ملی دامن زده، تخم صوم و دشمنی را میان معتقدین به ادیان و مذاهب هسب برانگنده ساخته و خطر تسبیح دویبی های مذهبی و برادرگی کشورهای مسلمان را در پی دارد.

بنا بر بنا بداد است که ترندهای خیر خمینی در تحریک احساسات و عواطف مذهبی مردم به منظور انحراف افکار عمومی از واقعیات تلخ و سنگت سار حاکمیت دهساله اش صورت گرفته و می گیرد. مردم ما در وضعیت و خامت باری به سزمی برند، جنگ بی معنای هشت ساله و قتل عام زندانیان سیاسی ایران، اکثریت بزگرگی از مردم ایران را در ما عزیرانسان نمانده و موج فزاینده ای از نفرت و از خا علیه رژیم خمینی در مردم ما در جریان بدیدار ساخته است. به علاوه بیکاری، خانه بدوشی و بی سرپناهی، کمبود ما به نیاز عمومی، نا راری های جدی در آرا شه خدمات اولیه ضروری مردم، فقر و اعتیاد و فتنه در کشور پیدا می کند و این در حالی است که ران رژیم هم از هر گذار و خطا و ارتشا و فساد دستگانه دار و حیث و میل ثروت های عمومی هم از طریق زودینسانها ریزرگ و فشرهای غارتگر جامع، ثروت های عظیم کور کرده اند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ابراز نفرت نسبت به سول به تروویسم به جای مبارزه عقیدتی از سوی خمینی، این اقدام بدبشری را محکوم می کند.

سازمان ما از مردم با فرهنگ ایران می خواهد تا هر چه طاقت در برابر اقدامات تپشکارانه خمینی با سستند. ما از مردم تریخواه و مصلح دوست جهان می خواهم تا در این نبرد خوار مردم ما را هر چه گسترده تریاری رسانند.

اشغال و سبکاری بسیارها که رانه تر از آن چیزی است که در فانون کار آن به صورت ماده ۲۷ با زتاب یافته است. رژیم خمینی تا قبل از سال ۶۵، حربه اخراج را در مواردی نظیر اجرای ماده ۳۳، قانون "بازاری" و به هنگام تمغیه مخالفین سیاسی خود به کار می گرفت. اما از بهار سال ۶۵، در اشغال فلات ناشی از جنگ، اخراج های وسیع و سول آسا به سیاست رسمی رژیم بدل شد و تحت پوشش هسب و دستاویزهای مختلفی چون بازنگشتگی زودرس، باخرید، "سیاست حفظ اشغال" و بالاخره تحت شعار روقیانه "ضرورت کم کردن نان و خوراک" و سبک به اجراء آمد. صدها هزار رگر کوچ فوج از کارخانه اخراج شدند. یکی از مهم ترین نمونه های اخراج توده ای کارگران، اخراج هشت هزار رگر ایران-ناسیونال بود. به دنبال آن، اخراج هیای توده ای گسترش یافت و به تنها کارخانه ها بلکه رشته های مختلف تیولیدی را در بر گرفت. رژیم جنگ طلب خمینی با نظا می کردن خط تولید بسیاری از کارخانجات، تا آنجا که می توانست اقتصاد کشور را در خدمت جنگ در آورد. به خاطر کمبود تعداد کثیری از واحدهای صنعتی تعطیل شد و بسیاری تولیدشان به شدت کاهش یافت. سول اخراجها در اشادامه جنگ و تشدید بحران اقتصادی رژیم، چنان ابعادی پیدا کرد که در تاریخ معاصر ایران بی سابقه است.

جنگ خانمانسوز ایران و عراق به سبزه تند و مان اشرا فوق العاده مخربی بر سول سبک رژیم عسلا سایل اخراج ها و سبک به به اخراج توده وسیعی از کارگران نوازیر فشار رجا را اقتصاد دی در دورهای شوم انتخاب میان اعزام به جبهه های بیکاری قرار داد. به طور کلی به "برکت جنگ" مادی و معنوی بی سابقه ای به جنبش کارگری وارد آمد. بی جهت نبود که توده کارگران هر آنچه را که در امکان و توان داشتند برای متوقف کردن جنگ به کار می گرفتند و سبک برای آتش بس به مثابه سبک بیروزی برای خود استقبال کردند.

سرکوب مبارزات کارگری بیگانگی رژیم خمینی با منافع و مطالبات

اساسی توده کارگران از همان اوایل انقلاب بیرون کرد و چون رژیم در صدد سبک کاری به حواج کارگران برسیا مد اصطکاک ها به تدریج بیشتر و بیشتر شد و سرکوب خشن آزادی های سندیکایی به سیاست رسمی رژیم بدل شد. آزادی های سندیکایی، همچنان که در رابطه با شکل های کارگری انشا کردیم، محدود و محدود تر شد. تشدید فشار اقتصادی بر طبقه کارگر، کاهش فزاینده دستمزدها و حذف بسیاری از حقوق و مزایای کار، اعدام اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، وضعیت نا بسامان تامین اجتماعی و تضییقات متعدد دیگر، نیز موجب تنگنای اشغال اعتراضی کارگران، به سبزه از او خا ر سال ۶۲ تا در سول گسترش ابعاد اعتراضات و اعتصابات کارگری در واحدهای مختلف تیولیدی و خدماتی به سبزه در سال ۶۳، رژیم فدکا رگری خمینی را بر آن داشت تا به سیاست سرکوب و ختنای علیه کارگران، ابعاد پلیسی بی سابقه ای بدهد. اعتصابات کارگری مهمی چون دخانیات، ساان (کارنا دارای) سد ویژه ذوب آهن اصفهان رژیم را بیمناک کرده بود.

بیشتر اعتصابات کارگری به ویژه اعتصابات واحدهای بزرگ صنعتی با مدخله نیروهای مسلح و سرکوب گروا جه شد. اما تا کار می رژیم در فرو نشاندن این اعتصابات، او را بر آن داشت تا سیاست سازماندهی مجموعه کارگانان شی به ویژه با تمرکز اطلاعات پلیسی دروزارت اطلاعات و همچنین تشکیل کمیته ها و کمیسیون های ویژه کنترل پلیسی و سرکوب، به مقابله اعتراضات کارگری بسزورد. رژیم به خنثی به محرمات دربارا کنترل و سرکوب اعتصابات کارگری ما در کرد و به دنبال آن کمیته ای نغره مرکب از ورورای (اطلاعات)، کشور، کسار، صنایع و مسئول خانه کارگر (م:ج) به وجود آمد. وظایف آن، سازماندهی نفوذ دهن عناصر حاسوس، خیرچین و تواب در مراکز مهم کارگری و سبک و پیگرد فعلی بود. از دیگر وظایف این کمیته ها و کمیسیون ها، ایجاد همگی میان "خانه کارگر" و انجمن های اسلامی، بسیج کارگری سیا هوا و راه حراست در کارخانجات و تمرکز اطلاعات پلیسی آنها در چارچوب برنامهای وزارت اطلاعات بود.

رژیم سرای مقابل با طبقه کارگر و سرکوب مطالبات حق طلبانه آنها با سبک موجودیت خود به همه اشکال مقابل عوام قربانانند، سرکوب کارخانه و توطئه گرانده دست زد. کارگران را به سبک های مرک فرستاد، اخراج و بیکار کرد، زیر سبکترین فنانهای اقتصادی قرار داد، شکل های کارگری را منحل و ممنوع کرد. کلان های تریبیت جاسوس و اعتصاب شکن سا زمان داد. گشت انظما ت در واحدهای بزرگ ایجاد کرد، تلفن سبک کارخانجات را کنترل کرد، انجمن های اسلامی کارخانجات را به مثابه ارگان های تبلیغاتی، سبک خیرچینی، فشار و سرکوب علیه جنبش کارگری در واحدهای مختلف کشور سا زمان داد، فعلا لیک کارگری را بازداشت، گنجه و اعدام کرد، اعتصابات کارگری را با مدخله مسلحانه کمیته و سیا به خون کشید، اما بسازده سال، جز تشدید نفرت و انزجار کارگران نسبت به خود، جز تشدید رفا بیسی و اعتراض کارگران علیه سیاست های فدکا رگری و ضد بشری اش حاصلی بر نداشت.

نمونه بار زور برسته بیمناک بودن رژیم از نیروی طبقه کارگری می توان در نامه ای که خمینی برای کارگران و به طور مشخص برای کارگران نفت و گاز، معادن نیرو و صنایع سنگین به تاریخ ۲۴ دی ماه ۶۷ داده است به وضوح دید. خمینی از کارگران خواست که "تحت تا شیر تبلیغات منحرفین نمانند. جرخ های اقتصاد کشور را به حرکت در آورند. رژیم از شما می عمیق کارگران خیر دار و این را نیز می دانند که در این ده سال نه تنها چیزی به سبک کارگران نمانده، بلکه هر آنچه کارگران و دیگر اقتدار مردم در انقلاب وحشی طی دیها سال مبارزه پیش از آن به دست آورده اند از آنها گرفته است. خمینی نمی تواند از این نیرویی که اینک تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی است، وفا داری و اعتماد ا میداد شده باشد. خا فقه خمینی محض هنوز آنقدر برای اش می کشد که آنچه را که طبقه کارگر با رژیم ها کرده، از یاد نبرده باشد و این را نیز خوب می دانند که آنکه با دمی کسار، طوفان دروخوا اندرود.

نگاهی به رویدادهای افغانستان

خروج نیروهای نظامی شوروی از افغانستان که از زمانها قبل آغاز شده، روز ۲۶ بهمن با خروج آخرین دسته‌های سربازان به مرحله پایانی خود رسید.

دوروزهای پایانی خروج قوای شوروی، نیروهای مسلح مخالف حکومت افغانستان به جنبش و جوش بیشتر افتاده اند تا به زعم خود برای تصاحب کامل قدرت در افغانستان آماده گردیده باشند. تلافی‌های اولیوهریان ائتلاف هفتگانه مقبوم پیشاور که توسط پاکستان حمایت می‌شود، و رهبران اتحاد هشتگانه مقیم تهران که از پشتیبانی رژیم جمهوری اسلامی برخوردار است، در مراحل اول با پادرمیانی دورژیم به توافق‌های مقدماتی برسر تقسیم‌قدرت منجر گردیده بود. این توافق مقدماتی با زیاده‌خواهی رهبران ائتلاف هشتگانه که خود را نمایندگان شیعیان مخالف دولت افغانستان می‌دانند و خواهان سهم بیشتری در حکومت آینده هستند، با شکست مواجه شد. این امر می‌خواهند که ۲۵٪ تعداد نمایندگان مجلس آینده که نزدیک به ۱۲٪ کرسی می‌شود متعلق به آنها باشد. با این ادا که ۲۵ درصد مردم افغانستان شیعه هستند و تا در "حکومت اسلامی" آینده افغانستان که سایر اهداف آن به نوازندگی و بهیروزی مردم بلکد پیاده کردن احکام اسلام است، سهمی از شیعیان مسلمستان افغانستان ضایع نشود.

مقامات رژیم جمهوری اسلامی در عین حمایت و تشویق اتحاد هشتگانه فعلا نه می‌کشند تا هم ابعاد اختلافات موجود گروه‌های مخالف را کاهش دهند و هم تا آنجا می‌توانند سهم بیشتری را تصاحب هم‌چنان که افغانستان خودکند، دیدارهای مکرر در تهران و همچنین سفرهای ولایتی وزیر امور خارجه و معیری، معاون نخست وزیر به پاکستان در جهت برآوردن مقاصد فوق است.

همه‌شوا حدیثی از آن است که اولاد گروه‌های مخالف همچنان درگیر اختلافات درونی هستند و در شانی علیرغم این درگیری از هرگونه انعطاف نسبت به پیشینیه‌ها دست‌نوازان دولت افغانستان تاکنون خودداری کرده‌اند. آنها فقط روی تصرف کابل و تصاحب کامل حکومت برنا می‌ریزی و حساب بسیار کرده‌اند، در حالی که مشغول سرهم‌بندی کردن شورای حکومتی آینده خود هستند بر سر اختصاص تمسک‌داد نمایندگان مجلس به گروه‌ها و جناح‌های مختلف در حال چانه‌زنی هستند.

اکنون که نیروهای اتحاد شوروی همچنان به میهن‌شان بازگشته‌اند، دولت شوروی همچنان تلافی می‌کند که افغانستان آرامش خود را باز یابد. سفسر شوا در دنا دزه، وزیر امور خارجه شوروی به پاکستان و ملاقات و مذاکره با مقامات پاکستان و سایرین و دیگر تلافی‌های دیپلماتیک اتحاد شوروی در خدمت این اهداف است.

وحشیگری نیروهای افراطی تر اپوزیسیون در محاصره غذا بی کابل و موشک باران شهر نشان دهنده ماهیت این نیروها است که برای تا بین مقاصد خود حاضرند از زوئی اجساد تکه‌ها به رشده زیمب و موشک و از میان آتش و وضع خودکار و وسایل نماندن گرسنه و دردمند عبور کنند. مدعیان "حکومت اسلامی" افغانستان نمونه رفتار آینده با مردم خود را هم اینک به‌تصا می‌بینیم که نشان داده‌اند. کمک‌های اتحاد شوروی در آذوقه رسانی به مردم کابل در این شرایط سخت بزرگ‌ترین اقدام نشان دوستانه در برابر اقدامات اهرتانه اپوزیسیون افراطی است.

در این میان کار رشکشی محافل غربی در جلوگیری از رسیدن آذوقه و دارو، ارسالی سازمان ملل متحد به کودکان و زنان حامله و شیرده و نماندن، چهره‌گریزه مدافعان دروغین حقوق بشر برای سرمد افغانستان و همه دنیا آشکار کرد. در این جا است که ضرورت دارد حساسیت و تلافی مسئولانه دولست افغانستان و دیگر نیروهای مسئول و دبیر بسط در تا کید بر اهل مسالمت آمیز، عادلانه و دیکر تیک مسئله افغانستان که در دما مل بیشتر قرار گیری دولت افغانستان در اجراء سیاست آشتی مل موافقت نامز نوراً مسئولانه اجراء می‌کند، نیروهای اپوزیسیون را این روزها هر چه بیشتر فراموشی خوانند که در روند بازگشت صلح و نظم و آرامش به کشور مشارکت و روزنه اما سر کرده‌های اپوزیسیون مسلح که گوش شنوا ندارند، همه امید خود را به ادا همه جنسک بسته اند و با بی‌اعتنا بی بر تجربه تلخ ده سال گذشته که شیوه‌های نظامی راه‌حل افغانستان را باطل اعلام کرده دست‌زد می‌زنند. چنانچه برای کمک‌های بی دریغ آمریکا و پاکستان پشتوانه تلافی‌های این نیروها برای تداوم جنگ داخلی است. دولست آمریکا چون گذشته نیروهای اپوزیسیون را تشویق می‌کند که بر سیاست عدم تعاطف با فشار می‌کنند و از ارسال کمک‌های نظامی به آنها نیز دریغ نمی‌کنند.

چند روز پیش واشنگتن اعلام کرد که کمک نظامی به گروه‌های مخالف دولت افغانستان ادا خواهد شد.

یافت. دولت پاکستان نیز که با روی کار آمدن خانیسم نظریوتو انتظار می‌رفت مواضع متفاوتی نسبت به گذشته اتخاذ کند، تقاضای محسوس می‌در سیاست‌های آن به وجود نیامده و همچنان احساساً به می‌دهد که عملیات خرابکارانه خاک آن کشور علیه افغانستان صورت گیرد. علاوه بر این برخی مقامات پاکستان در سودای تشکیل فدراسیونی از مناطق ولایت‌های افغانستان تحت سرپرستی دولت پاکستان هستند و برخی از رهبران اپوزیسیون نیز به خاطر تصاحب قدرت کویا بی میل نیستند که استقلال کشورشان را قربانی کنند.

دولت افغانستان مراحتاً اعلام داشته است که همچنان برای پایداری آن به خون‌ریزی‌ها راهی گوناگون مسالمت آمیز اذیت‌ها را خواهد کرد. خواست تمام منظره‌ها و همه پیشینیه‌ها را مورد بررسی قرار دهد ولی چنانچه آنها همه با انعطاف‌هایی شیوه‌های نظامی امرا روزند، با تصامین برو. آماجگی رژی و مکانات مقابل خواهد کرد. مردم افغانستان از خون‌ریزی به جان آمده‌اند. مردم محاصره‌ها و بنیود کمبود آذوقه و در مهم‌ترین خواستی که دارند پایداری جنگ و خون‌ریزی داخلی است. بدون شک رهبران نیروهای مخالف دولت افغانستان هرگز قادر نخواهند بود راه‌حلی بهتر از دولت ائتلاف و مصالحه‌ها، متحمل شده از دیکتاتوری مانند رژیم ولایت قندهار، ایران، حمایت می‌کنند. مردم افغانستان باید هوشتیار باشند و نگذارند که توسط تحمیل رژیم ارتجاعی و استبدادی نوع رژیم خمینی و ضیاء الحق و رژیم سعودی تکوین یابد. دموکراسی و دولت ائتلاف و مصالحه ملی تنها شاق واقع بینانه در شرایط کنونی است که می‌تواند تا بین گذشته‌ها و آینده مردم باشد.

کارشکنی امپریالیستها در آذوقه‌رسانی به کابل

به علت موشک‌اندازی‌های مکرر به شهر کابل، مسب‌گذاری و انحصار در مراحل‌های سکونت مردم و محله‌های نیروهای مخالف دولت افغانستان به‌جای‌های اطراف شهر و همچنین سرمای‌شیدویی سابقه‌ها زستان امسال، شرایط زندگی و تامین مباححتاج ضروری مردم کابل بسیار سخت شده است. نسیب‌بود آذوقه و مواد سوختی و سرمای‌شید مردم کابل را به شدت تهدید می‌کند. با مصرف مواد ذخیره و عدم دریافت مواد مغذی ضروری خطر روز به روز جدی‌تر می‌شود.

دولت اتحاد شوروی که سرگرم خروج سربازان خود از خاک افغانستان بود، کمک‌های وسیع و همه‌جانبه‌ای برای رفع این خطر به مردم کابل رسانیده و هم‌اکنون نیز هم‌روز مواد سوختی، آرد، و سایر سبذات و ویشکی برای بیمارستان‌ها به کابل می‌رساند. اما علیرغم این کمک‌های انسان‌دوستانه به دلیل حجم بالای نیازها مردم کابل همچنان در شرایط سخت و طاقت‌فرسای به سر می‌برند. سازمان ملل متحد در اوایل ماه گذشته در برابر این خطر که چند صد هزار تن مردم کابل را تهدید می‌کند تصمیم‌اندازد. دوستانه و بی‌شائبه انگیزی گرفت تا هر چه زودتر مقادیری مواد غذایی به کابل برسانند تا به مصرف کودکان، زنان، پسران و نیرده و بی‌برای برسد، اما اجراء این تصمیم بسیار کارشکنی طبق نقشه و بسیار شرم و رچند دولت و آزان جمله دولت انگلیس و روسیه و...

بلافاصله پس از اعلام تصمیم سازمان ملل، وزارت خارجه دولت محافظه‌کار انگلستان آشکارا مخالفت خود را با این اقدام به‌بها نه‌های واهی و ساختگی اعلام نمود. این حقوق بشرستیزی آشکار و شرم‌آور دولت انگلیس چنان تحریک‌کننده و برای تکبیزاننده افکار عمومی علیه این دولت بود که بیدرنگ ناچار شدند موضع خودتغییراتی پدید آورند و اقدامات خود را مخفیانه بی‌شاید.

دولت انگلیس هم‌راه با دولت آمریکا و پاکستان و دیگر محللستان نشان برای جلوگیری از کمک‌رسانی سازمان ملل به کودکان و زنان افغانی مشغول انواع توطئه‌ها شدند. تا جایی که نماینده سازمان ملل متحد علیرغم تلافی‌های بسیار، موفق به جلب همکاری شرکت هوا پیمایی برای حمل بارها کابل نشد. تنها یک خلبان اتیوپیایی با یک هوا پیمای، آماجگی خود را برای پرواز به کابل اعلام نمود. اما به علت خرابکاری و کارشکنی امپریالیست‌ها و دولت پاکستان، تاکنون برای حمل مباححتاج مذکور جزیک پرواز انجام نشده است. پس از برخورد منفعلانه دولت‌های غربی با قتل عام زندانیان سیاسی در ایران، محاصره غذا بی مردم بمب‌دیده افغانستان یک نمونه دیگر از سوادگری این دولت‌ها با حقوق بشر است. به‌تصا می‌گذاشته است. انسان دوستی و حقوق بشر برای این سوادگران می‌باید تنها تا آنجا است که منافع حقیر آنها امتداد می‌یابد. گامی از این بیشتر تنها در گرفتارند و تهدید ملت‌ها است.

۲۳ زندان... بقیه از صفحه ۱۱
که به بیاری خلق کردیشتا بند، مردم کردستان ایران از همه مردم ایران و همه کشورهای اجزای و محافل فسیل ترقیخواه‌ها چنان انتظار دارند که در این روزهای حساس خلق کرد را یاری دهند.

مسئله قابل توجه این است که در دوره اخیر رشد و گسترش جنبش دمکراتیک در همه‌جای کردستان با هیچیک از دوره‌های قبل قابل مقایسه نیست. هر چند که با این جنگ ایران و عراق و فشاری که از سوی دورژیم بر علیه جنبش ملی خلق کرد اعمال می‌شود، در چشم‌نوازی آن محدودیت‌ها و دشواری‌های بسیاری جنبش ایجاد خواهد کرد، اما جنبش کماکان فعال و به راه خود ادامه خواهد داد. امروز مسئله کردستان در افکار عمومی جهان با زتاب گسترده‌ای یافته است، پایداری جنگ ایران و عراق کمک‌کردتا جنبش ملی خلق کردیتوا ندر چهره عدالت‌جویانه و صلح‌خواه‌ها نسه خود را آشکارا زودمرزها را در نور دیده، و به‌یک مسئله منطقه‌ای تبدیل شود و جایکا به مراتب بر اهمیت تری و اشغال کند، این وضع اتحادیه نیروها و خلق کردوا تداوم با جنبش دمکراتیک و اجزای طبقه کارگر کشورهای منطقه را می‌طلبد.

سیاست رژیم خمینی در طول سال گذشته علیرغم راه‌های عقب‌نشینی‌ها، همچنان مبتنی بر سرکوب نظامی و انکار حقوق ملی خلق کردیتود. در اوایل بهار رژیم تلافی‌ها شدت که با گرزدن جنگ ایران و عراق، به جنگ کردستان، به اجزای و شیروهای موجود در حاشیه مرزی ضربه‌کاری وارد کند. بی‌شائبه متوقف شدن جنگ در حاشیه‌ها رژیم در نظر داشت که کار جنگ در کردستان را نزدیک سره‌کند و به همین دلیل به تقویت نیروهای موجود در کردستان پرداخت. رژیم در درگیری‌های اخیر و در حاشیه‌ها به منظور دان زین به‌تغییر ملی، به‌طور وسیعی استفاده کرد. رژیم در مقابل به‌تصا و مت مردم از سیاست‌های پیچیده‌تری بهره‌گرفت، در ادا به سیاست سرکوب آخرین اخباری که از عدم عده‌زایی از فعالین و اغضا وابسته‌ها حزب و گروه‌های ملی است.

مسئله نگران‌کننده‌ها کماکان وجود اختلاف در صفوف جنبش ملی کردستان است. اختلاف بین حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) با آنکه از تاحم خونین سال‌های قبل فاصله گرفته است، اما هنوز بر طرف‌نشده و نگرانی در این زمینه همچنان وجود دارد. متاسفانه در سال گذشته حزب دمکرات کردستان دچار انشعاب شد. اکنون آنچه ما به نگرانی است، چگونگی برخورد با حل اختلافات فی‌مابین آنهاست. تجربه نشان داده است که هرگونه توسل به اعمال قهر برای حل اختلافات، به جنبش لطفاً جدی خواهد زد و دور از روح دمکراسی است. متاسفانه در سال گذشته در موارد متعددی شاهد برخورد نهنی بین دو جریان حزب دمکرات کردستان بودیم. سازمان‌ها هم‌راه تصامی مردم ایران و مردم کردستان نگرانی عمیق خود را از این مسئله ابراز می‌دارد. نیاز جنبش آن است که از صراحت‌گویی در مورد اختلاف برهیزد و مسئولانه در جهت رفع مشکلات بکوشد، بدون شک برای هیچیک از طرفین تسک‌بخش‌ها عنوان نمی‌تواند مسا‌له‌ای را حل کند. آنچه که اهمیت دارد، وفاداری به آرمان‌های جنبش و تلافی در جهت وحدت نیروها و پایداری است.

گسترده‌گی مبارزه خلق کرد و دشواری‌های بی‌کفرا راه آن قرار دارد، کارست تلافی‌ها تا کتیک‌ها و بهره‌گیری از تصامی شیوه‌های مبارزه را می‌طلبد، با بیستی هم‌راه همه‌این‌ها از فضای مناسبی که در عرصه‌هایی به نفع جنبش خلق کرده وجود آمده است هوشیارانه بهره‌گرفت.

بدون شک پیروزی در این مبارزه از آن خلق دلاور کرد است. آرمان‌آرین‌بندان به دلیل حقانیت و درستی آن زنده خواهد ماند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چهل و سومین سالگرد ۲۳ زندانیان را به همه خلق کابل و اجزای سازمان‌های سیاسی و صلح‌خواهان فداکار آن تبریک می‌گوید.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

مهاجرین

باید آزادانه به کشور بازگردند

پیگرد و سرکوب سازمان‌های سیاسی باید قطع شود

« برنامه توسعه اقتصادی ... »
حرفهای پوچ روی کاغذ

به دنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و استقرار آتش بس، رژیم ضمن کستوش وسیع تبلیغات به منظور توجیه شکست های خود، اقداماتی را در جهت تهیه اصطلاح «برنامه توسعه اقتصادی» آغاز کرد. کلیات طرح اولیه این برنامه در مهرماه سال جاری به مجلس آخوندها ارائه و در شهریور اول از تصویب گذشت.

برنامه اول پنجساله که در سال ۶۲، توسط دولت به مجلس داده شد، در حقیقت دستکاری شده آخرین برنامه رژیم سابق بود که به دلیل عدم آشنایی نمایندگان و کمیسیون های مربوطه در مجلس با مفاهیم آن و اختلافات موجود، در مجلس ماند. و به دلیل عدم تطابق با واقعیت های موجود و پیش بینی ها و مقرضات نادرست و با کاهش قیمت نفت، بلاجرام ماند. پس از آن رژیم برنامه جدیدی را طراحی کرد، به نام «برنامه شرایط توسعه اقتصادی» که در سال ۶۵ و برای ۲ سال تهیه شد که شامل اقداماتی جهت نظامی کردن بیشتر اقتصاد کشور بود. اینک کلیات برنامه جدیدی با عنوان «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی» در مجلس به تصویب رسیده است. البته نحوه تصویب این برنامه اطلاع برنا مدیر مجلس نیز موبدنا توانی رژیم در برنا مریزی است. در جریان تصویب این برنامه مخبر کمیسیون برنا مه بودجه مجلس در توضیحات خود اظهار داشت: «اگر انتظار داشته باشید که این برنامه امروزه شود و پس از شش ماهه لایحه دوباره مطرح شود در این مدت شش ماه دولت بتواند کاری کند، یقینا چنین چیزی حاصل نخواهد شد». چرا که «این برنامه مسه حاصل توان کارشناسی دولت و کمیسیون برنا مه بودجه مجلس است. وزیر برنا مه بودجه نیز در دفاع از لایحه اظهار داشت: «ما با این ذهنیت در بنایشیم که حتما آنچرا که مطلوب و کامل است، به تصویب برسانیم. لذا بر همین مبنا تقلا نکنیم که خدای ناکرده بیفتد به مجلس چهارم». به بیان ساده یعنی اینکه همین است که هست و بیش از این هم نخواهد بود و اگر درنگ کنید، همین هم نخواهد بود. گرج هنوز جزئیات لایحه به مجلس ارائه نگردیده و حتی شاید توان کارشناسی ارکان های ذریعته اجازه تهیه آن را تا کنون نداشته است. اما می توان سناریوهای به چگونگی تهیه آن، مضامین، هدف ها و اثرهای اجرایی آن درباره سرنوشت این برنامه اظهار نظر نمود.

قبل از همه باید خاطر نشان نمود که برای آغاز هرگونه کار جدی در کارسازی و بازسازی کشور، خارج کردن کشور از وضعیت جنگی و آزاد نمودن منابع و امکانات و نیروهای انسانی از مورطی و وسه کارگیری آنها در بازسازی در درجه اول اهمیت قرار دارد. بدون انجام این مهم در حقیقت بیش از نیمه از امکانات کشور خارج از دایره بازسازی قرار خواهد گرفت و با توجه به محدودیت این امکانات، سخن گفتن از بازسازی دروغی بیش نخواهد بود. تا اینجا سران رژیم نشان داده اند که این مسئله به همراه آنهاست. همینکه در رهنمودهای خود برای بازسازی کشور به مسئولین طراز اول کشوری می گوید: «ما نباید حساب کنیم که چنگ تمام شده است، ما باید حساب کنیم که در حال جنگیم... الان ممکن است در ایران منتشر کنند که ساله ما تمام شده مردم راست کنند. از این جهت ما باید بسیار با تدبیر و احتیاط عمل کنیم». بهسزاد نبوی وزیر صنایع سنگین رژیم هم معتقد است که «ساله بازسازی بخشی است که خیلی زود تمام شود». مطرح کردیم، اول باید تکلیف جنگ یکسره می شد. بدین ترتیب ایشان با همراه امام خود تکلیف برنا مه توسعه را یکسره کردند. بی مناسبت نیست که تقویت بنیه دفاعی کشور از اهداف اصلی برنامه به بازسازی شمرده شده است.

داستان چگونگی تهیه لایحه نیز بسیار جالب است. پس از ده سال حکومت آخوندها و ادعاهای فراوان مبنی بر تهیه چندین برنامه اقتصادی، اجتماعی، در رابطه با چگونگی تهیه این برنامه نبوی می گوید: «پذیرش قطعنامه ناگهانی بود و طبیعی است که خیلی خردمان را برای شرایط بعد از جنگ آماده نگردیده بودیم و برنا مه مدونی همسند ندا شتیم. تنها طی هفته های اخیر بود که در هیات دولت قرار شد توسط کمیسیون ویژه ای، برنامه بازسازی کشور تدوین شود». معلوم است که این همه تبلیغاتی روی برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت صنایع، کشاورزی و غیره تنها جهت فریب مردم بوده است. براساس حال کاری که به روی برنامه صورت گرفته است، می توان بسسه بی پایکی آن نیز می برد.

برنامه مریزی اقداماتی امری کا ملا مشخص است و تنها با ساخت و تدقیق وضع موجود اقتصاد و امکاناتی که در دست هست، می توان چشم انداز روشنی ترسیم و تا کسبک ها و سیاست های مقتضی جهت دستیابی به اهداف تعیین شده را معین نمود. واقعیت های موجود موبدنا این است که رژیم نسخه شناخت درستی از وضعیت موجود و امکانات دارد و نه نیازها را بر اساس آنچه واقعیت های کنونی تعیین می کند. علیرغم وجود دو دستگاه های عظیم - آمارگیری، مثل اداره آمار، سازمان برنامه و بودجه و غیره هنوز یک سیستم آمار که اطلاعات کار را وجود ندارد. بنا بر این شناخت وضع موجود به طور واقعی مورد توجه قرار نمی گیرد و وضع هر برنامه ای نیز مستثنی بر حدس و گمان و اطلاعات محدود ماری خواهد بود.

از سوی دیگر بر سر رابطه بخش خصوصی با اسکال دولتی و تسامحی مالکیت و محدود کردن درآمد در ساختار اقتصادی اختلاف نظرهای در حیات حاکمه وجود دارد. به طوری که رژیم بین از ده سال هنوز موفق نشده است هیچ قانونی را در این عرصه تصویب نماید. مجالس اول و دوم در این باره هیچ کاری انجام ندادند و مجلس سوم فعلا در خواستی بر سه می زند و از پرداختن به اصل موضوع طفره می رود. این در حالی است که بهر هر گتی و غنارت سرمایه داران هر روز شکل لگامگسخته تری پیدا می کند و هیچ مانع و رادعی در برابر آن نیست. نجومی تقدیر بخش خصوصی و با زین دادن املاک ملاکین بزرگ تحت عنوان مالکیت سری موبدنا این امر است و در صورت طرح مساله نیز چیزی از این به قوتن تبدیل نخواهد شد. «اقتصاد اسلامی» نیز چیزی در این عرصه ندارد که مجلس آخوندها را راهمایی کند و یا سخوی مسایل امروضا معمه ما باشد. بی دلیل نیست که یکی از نمایندگان از خمینی و دیگرانست لاله ها از جانه تقاضا می کند که مساله را حل کنند و فتوای لازم را در نما بکنند. این آخوندها هم که بی سواد و هر گدا مسته است که سران به گدا م آخوندها نیستند، یک نظری دهند که همگی خواندند و نما بکنند تا بدخت هم حجاج مانده اند.

حکومتی توزیع درآمد ها به طور ارگانیک با مساله مالکیت کره می خورد. حامل ده سال حاکمیت رژیم آخوندها در این عرصه چیزی جز تخریب بخش اصلی درآمد و تروپ کا هم در دست عده معدود کمترین از ۳٪ اهالی کشور که کل درآمد روزانه ۹۷٪ بقیه بوده است.

بر اساس آنچه ذکر کردیم، اگر بخوانیم الگوی توسعه و چشم انداز مورد نظر رژیم را که برنا مه تدوین شده فاقد آن است و به لحاظ قانونی نیز به دلیل عدم تصویب قوانین ضرور ناروشن است، سر مساله عملکرد ده ساله رژیم و آنچه در عمل پیش می رود معین کنیم، حاصل این می شود که مالکیت بر بخش اصلی ثروت های جامعه و درآمد های حاصل از آن مشخص نیستی آخوندها جز بر سر مایه دار و مالک بزرگ است و کا هن در آمد، بیگاری، فشار اقتصادی و بی عدالتی اجتماعی نصیب اکثریت است. ۹۷ درصدی، و این مساوی است با عدالت اسلامی خمینی و دارودستدار. بی جهت نیست که خمینی در رهنمودهای خود برای بازسازی کشور می گوید: «بعد از جنگ مردم (۹۰٪) باید در کارهای تخصصی آزاد باشند و دولت اجازه بدهد مردم (۹۰٪) از خارج چیز بیاورند و تجارت کنند». آقا که معمولا عبادت دار به جای کلمات «تجار» و «سرمایه داران» و «مالکین» کلمه «مردم» را به کار می برد تا مردم ناراحت شوند، مساله نظارت دولت و جلوگیری از فشار مردم برای تعارف و فریب پیش می کشد. در رژیم که فساد تمام وجودش را از لوده کرده، از کدام «دیوار» می توان صحبت کرد. هیچگاه هم چنین نبوده که دولت در برابر زکاتی خا رجسی نظارت نداشته باشد. چرا که در کشور ما از خارج اسامی را صادر اختیار دولت است و توسط اودرا اختیار تجارت فرار می کرد و این اجبار نظارت دولت را به گونه ای به همراه داشته خواهد داشت. به طبع مثال طبق اظهارات رسمی در رابطه با سال های ۶۳-۶۴ مبلغ ۶۰ میلیارد دلار از توسط دولت در اختیار بخش عمومی قرار گرفته که تجارت کند.

دراثر وابستگی اقتصاد کشور به صادرات امیرالیتی که در دوره رژیم شاه تشدید شد، واردات مواد خام و واسطه های بخش اصلی واردات را تشکیل می دهد. بر این اساس هر برنا مه جدیدی توسعه اقتصادی در درجه اول باید پاسخ مشخص به حل این معضل بدهد. قطع کنترل اقتصاد کشور توسط انحصارات و استقلال اقتصادی از خواست های اصلی مردم در انقلاب بود. بعد از انقلاب این خواسته سال ها توسط دست اندرکاران رژیم همیشه و همه جا تبلیغ شده است. اما در عمل آنچه که این رژیم جنایتکار طی ده سال حاکمیت خود انجام داده، تنها تشدید وابستگی اقتصاد ما نسبت به دوره قبلی بوده است. در موارد اول مواد مصرفی و خام

سبت به واردات سرمایه ای و واسطه های بیشتر شده و واردات کا کلاهی سرمایه ای کاهش یافته است. ادا موع موجود طبق پیش بینی کارشناسان وضع را بدتر خواهد نمود. مثلا در آینده ای نه چندان دور واردات مواد غذایی به حدود ۴ میلیارد دلار سال بالغ خواهد کرد. این رقم در سال ۶۶ معادل ۱/۵ میلیارد دلار بود. در دیگر عرصه ها هم همین روندی خواهد شد. برنا مه جدید رژیم نیز جز شعار چینی در این زمینه ندارد.

تا مین اشتغال بیش از ۴ میلیون بیکار و تهیه کار داریم برای میلیون ها شاغل نیمه بیکار و تا مین زمان کار مفید کمی برای بالابردن بازدهی آن و ارتقاء رفاه مردم از مسایل عمده ای هستند که برنا مه توسعه اقتصادی رژیم بدانها پاسخ نداده است. در زمینه تربیت نیروی متخصص و ممتد نیز ضرورت تحول اساسی وجود دارد. در شرایطی که امکانات آموزشی کشور حتی قادر به تربیت کمتر از نیمی از گدا در متخصص موبدنا از جهت تحقیق همین برنا مه بی رقم نیز نیست و هزاران متخصص در عرصه های مختلف از کار اخراج، زندانی و یا وادار به ترک وطن گشته اند، بدون داشتن برنا مه مشخص جهت تربیت کارشناسی و متخصصان مبین آزادی برای اسفاده صحیح از گدا کثرتوانی های نیروهای موجود، سخنی از بازسازی نمی توانست در میان باند.

مسئله دیگر برنا مه به خدمات است. روند کستوش بخش خدمات نسبت به بخش های صنایع و کشاورزی در زمان شاه شکل گرفت و در دوره رژیم خمینی نیز ادامه یافت. اینک بیش از ۵۳ درصد تولید ناخالص ملی ما محصول بخش خدمات است. بنا به راف نام رسمی حدود ۶۵ درصد تولید ناخالص ملی حاصل بخش خدمات و وقت می باشد. طی سال های بعد از انقلاب سهم صنایع در این رابطه به حدود ۲۵ درصد کاهش یافته است. برنا مه توسعه باستانی راه ها و مکانیسم های معینی جهت اصلاح این تناسب به دفع عرصه های واقعی تولید یعنی صنایع و کشاورزی ارائه نماید. برنا مه رژیم فاقد چنین چشم اندازی است. البته نظری بود که این امر در روح دستورات و ساندیکه در چگونگی تخصیص اعتبارات بانکی این مساله حل شود. اما با وجود صندوق های قرض الحسنه که بیش از نیمی از عرصه کننده خدمات بانکی هستند و امکانات مالی کمی فراتر از آنها نیر دارند، این تصمیمات تنها روی کاغذ خواهد ماند.

عامل تعیین کننده در هر برنامه اقتصادی معین کردن منابع تا مین هزینه های ضروری است. برنا مه فاقد این بخش اساسی است. منابع درآمد کشور ما حزنقت و مالیات ها و مقدار بسیار ناچیزی ما دارت غیر منتفی چیز دیگری نیست. بنا توجه به کا هن درآمدت و محدودیت امکانات دریافت مالیات ها (توجه کنید که بخش خصوصی در پایان سال ۶۵ حدود ۷۰۰ میلیارد تومان بدهی مالیاتی داشته است ولی ارکان های مسئول طرا را تا در سه دریافت این نیستند) این منابع قادر به تا مین هزینه های برنا مه نیستند. بنا بر این بنا باید به استقراض خارجی تن داد و یا سقف خواست ها را پایین آورد و یا لایحه ناخذت گیری سطح درآمد را لایرد. برنا مه مصوب هیچ راه حلی در این رابطه ارائه نمی کند.

به دنبال تنظیم و تصویب هر برنامه ای طبیعا مساله اجرای آن و دستگاه مخرجی مطرح می شود. دستگاه دولتی رژیم خمینی که تلفیقی از دستگاه اداری زمان شاه با سازمان ها و نهاد های قسرون وسطای موازی و غیر موازی خمینی ساخته است، عملا به وسیله ای برای ترمز هر کار سازنده، بسسه وسیله ای برای اخلاص، زدگی، فساد، رشوه خواری و جیال مردم تبدیل شده است. این دستگاه ضمن بلعیدن بزرگ ترین بخش درآمد دولت قاربه انجام هیچ کار جدی نیست. بنا بر این هیچ تضمینی مبنی بر اینکه حتی همین برنا مه رژیم نیز توسط این دستگاه اجرا شود، وجود ندارد. «با تشکیل موجود برنا مه موجود نیز می گوید: «با تشکیل موجود نمی توان امید به اجرای درست برنا مه داشته باشیم. بدون حل این مساله می توان از هم اکنون بروز مشکلات اجرایی را پیش بینی کرد».

اینک کلیات برنا مه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رژیم تصویب شده است و کار تکمیل آن ادا م دارد. ولی این برنا مه شکست می خورد. مخبر کمیسیون برنا مه بودجه مجلس می گوید: «... در این برنا مه اهداف اساسی و اساسی و حصول به این اهداف مشخص نشده است، ما بسسن اسکال را قبول داریم». وزیر صنایع سنگین رژیم معتقد است که اصلا طرح آن زود رسیده و وزیر برنا مه بودجه مکان اجرای آن توسط دستگاه اجرایی موجود در نا ممکن می شمارد. با این حال چند مساله کاغذ به عنوان «برنا مه توسعه» به تصویب رسیده است و طبیعا چنین برنامه ای هم آینده ای کا ملا روشن دارد: عدم اجرا، و شکست. □

همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

۲ ری بداند

دومین ماه آذر و فراری جدید در تاریخ معاصر خلق گردید است. چهل و سه سال پیش در جشن روزی تشکیل جمهوری ملی کردستان اعلام شد. جشن ملی کردستان تحت رهبری حزب دمکرات کردستان و به زعم قاضی محمد در پیوند تنگ با جنبش دمکراتیک سراسری رشد کرده و مبارزه برای کسب حقوق ملی خلق کرد و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم را در سرلوحه اهداف خود قرار داد. این جنبش با تشکیل جمهوری ملی کردستان به پیروزی منتهی دست یافت. جمهوری جوان کردستان تنها ۱۱ ماه عمر کرد و با ارتجاع به خاک و خون کشیده شد. قاضی محمد و عده‌ای از رهبران و کارکنان و بشیرمرگان فدائیان ارتجاع به آرا و بیخسته شدند. جمهوری کردستان علیرغم عمر کم، خدمات و اصلاحات زیادی در زمینه حقوق ملی و دمکراتیک مسسردم کردستان شد. تا جایی که به پیشوا نه نیرو مسسردو الهام بخش برای مبارزات آتی خلق گردید تبدیل شد. امسال در شرایطی چهل و سومین سالگرد "آری بداند" را گرامی می‌داریم که جنبش ملی خلق کرد در وضعیت حساسی به سر می‌برد. در این رابطه ضروری است که به مهمترین وقایع سال گذشته اشاره شود. مهمترین و تعدادی که در طول سال گذشته روی داد، قطع جنگ ایران و عراق بود. جنگ کرد در واقع در زیر فشار دو جنگ قرار داشت. از یک سو جنگ ژوئینی که از سوی رژیم خمینی در طول سال‌های بعد از انقلاب سرخوردن در محاسبات بود و از سوی دیگر جنگ ارتجاعی ایران و عراق که در کردستان به چینه‌های اصلی آن تبدیل شده بود و رژیم خمینی سه این بنا نهاده‌ها را در رفتار زسیا نشان را به کردستان کسبل داشته بود.

طی سال گذشته مردم کردستان از این رهگذر متحمل خسارات مالی و جانی فراوانی شدند. سربازان و سیماران شهرهای کردستان و به ویژه سیماران شیبایی شهرهای کردستان از سوی رژیم توسط رژیم عراق، از زلمت کرده‌ها را قربانی گرفت. سیماران شیبایی شهر حلبچه از جنایات بزرگ تاریخ معاصر محسوب می‌شود. خلق کرد که از آماج جنگ ایران و عراق رنج می‌برد، انتظار داشت که از نعمت پایان یافتن جنگ بهره‌مندی کند، اما درست برعکس، پایان جنگ ایران و عراق این نگرانی را بدو حوذاورد که دور رژیم تیپکا رک از جنگ با یکدیگر فراغت حاصل کرده‌اند، تمام نیروها مکانات خود را علیه خلق کرد در دسترس بگیرند. در این رابطه رژیم عراق، به طور وحشیانه کردستان عراق را مسورد تمام کرد. ده‌ها شهروست آماج حملات شیبایی و انواع سلاحی کشتار جمعی قرار گرفت و بر اثر آن صدها تن کشته و بیش از ۱۵۰ هزار تن آواره ایران و ترکیه شدند. در کردستان ایران نیز سبب سیاست سرکوب و کسبل نیرو توسط رژیم خمینی همچنان آدا مه دارد. قبلا دور رژیم ایران و عراق این طور تبلیغ می‌کردند که گویا جنگ در کردستان جزئی از جنگ ایران و عراق است. در حالی که این جنگ از نظر زمان بسیار جلوتر از جنگ ایران و عراق شروع شده بود و پایان یافتن جنگ بین دو رژیم، جنگ در کردستان همچنان آدا مه دارد.

این وضع از همه وجدان‌های بیدار طلب می‌کند
بقیه در صفحه ۹

"آزادی فعالیت احزاب" و غنو زبندان سیاسی که اخیرا عنوان شده‌اند، در واقع تاکتیک‌های سیاسی تا توان برای بزرگ کردن چهره کوربه جمهوری اسلامی است، نه برای تغییر اساسی فضای سیاسی کشور. علی‌الکبر محتسبی وزیر کشور، همین جنسوری پیش در استاجا با تاخیر مجلس شورای اسلامی باصراحت گفت که: ایران اصلا به هیچ‌جوری نیاز ندارد، حوادث متعدد در صحنه سیاسی کشور، به ویژه رفتار اخیر با زندانیان و نیروهای سیاسی و آزادی خواه بیرون زندان، هر چه را به تردید در مورد ما هیت فدائشوری رژیم می‌سند.

رژیم اسلامی در تلاش برای برده‌پوشی با خیال شدن حقوق انسان در ایران با درخواست مکرر ما مع انسان دوست بین‌المللی برای باز دید از زندان‌ها و بررسی علل اعدام‌ها موافقت نمی‌کند. رژیم در راستای همین تلاش برای مخدوش کردن و بوسا شدن تنه‌های خود، قتل‌عام زندانیان سیاسی را با تشدید اعدام‌ها قاجانین مواد مسدود و دیگر جنایات کارانه‌ها کرده، و حتی در یکی از بخش‌های اعدام‌ها به اصطلاح عفو، اعضا سیاسی سازمان‌های سیاسی را در ردیف سوداگران مرگ، سارقان مسلح و جاقوکان با سابقه نهاد است. اصلا بدقت حقوق بشر در ایران طی چند ماهه اخیر چندان فاحش بوده‌است که حتی منتظر سیاسی یکی از طرف‌های جنگ قدرت در رژیم جمهوری اسلامی مدعی مخالفت خود را با اعدام‌های بی‌علام کرده‌ها را از طریق در جهت "ورسکتی انقلاب و نظام موجود" خوانده‌است.

رژیم جمهوری اسلامی به هیچ وجه موافق، آزادی مخالفین فکری خود نیست. انسان نمی‌پذیرند که هر انسان‌سی آزادیست بلکه دلخواه خود می‌توانند، سخن گوید، عقیده خود را تبلیغ کند و در آزادی آن با زداست و سکنه و اسد ام نشود. از این رو آنان به میل خود به آزادی‌های سیاسی در جامعه تن نمی‌دهند، اسلام عفو زندانیان سیاسی، تنهایی از کشتار و همرمان با ادا مکتور شما رسایا بزرگی از زینت‌پوشان فرزندان مردم و شرایط آدا مه تنقیب و با زداست دیگران یک اعدام سیاسی - تبلیغی است که جهت تخفیف فشار افکار عمومی و تحت الشعاع قرار دادن تنش‌های داخلی رژیم به کار گرفته شده‌است. تبلیغ‌ها با فشار سیاسی کسرتده می‌توان رژیم را و آدا مه عقب‌نشینی کرد.

انفاسی هر چه بیشتر رژیم از طریق مختلف یکی از راه‌های موثر فشار زداست است. رساندن اخبار و گزارش‌های رژیم به شکل مناسب به سازمان‌ها و دیگر سازمان‌های سیاسی یکی از راه‌های مهم اسکا س داخلی و جهانی آن است. نوشتن نامه‌ها، گزارش، نکات، اعتراض، اراش، اطلاعات پیرامون جنایات رژیم، تنقیب همکاران زداست‌ها، سکنه و اعدام آزادی خواهان و آزار خانواده‌های آنان، به ما مع انسان دوست بین‌المللی کمیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان ملل برخ جهانی، جنبش غیرمتنهدا، پارلمان اروپا، و همچنین به شخصیت‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی و هنری انسان دوست در هر نقطه جهان از جمله تلاش‌های مسئولانه و موثر در این راستا است. هر کام برای انفاسی رژیم آزادی طلب می‌کند
گامی برای آزادی است. □

زندانیان سیاسی است، یک ماه سخت با وعده‌ها و نا پذیر "عفو عمومی". لیست تاریخ شده و رسی به تاریخ ۶۷/۸/۲ که ما سرشناس ترین انقلابیون نیز جزو آن بود، به خانواده‌ها نشان داده شده بود. از هر خانواده یک تقریبا بده کمیته شخصی مراجعه می‌کرد. روز موعود، در جلوی کمیته‌های "کل محرا" (جاده سوه)، کمیته زنجان (خیابان زنجان)، کمیته خوران (نزدیک کورستان خوران)، کمیته سوه نازی آبا دو کمیته تهران باری، از ساعت صبح غلغله بود. مراجعه‌ها ساعت ۹ آغاز شد. بعضی ناخود سندان‌ها نیز آورده بودند. شاید بزرگ برای آزادی عزیزان انسان ضامن لازم می‌بود. همه منتظر و نگرانند. بیچ بیچ و تردید، برش و نا باری. بارقه‌ها سبب که از میل انسان به خیر و خوشی بدیدی آسید و از بی میلی به شروید بختی درنگ‌ها و بیچ بیچ‌ها بود. زمان گذشت. ساعت ۸، در کمیته "کسبل محرا" اولین نام‌ها خواندند. نگاه‌ها به جستجوی انبوه منتظران حوذا شد، از در گذشت و کوا مبه درون کمیته گذاشت و از جسم‌ها زانبوه نگرانان دور شد. نگاه‌ها به درگاه کمیته‌ها تپه بود و قلب‌های بیس تشویش سندر می‌زد. ایام، استقبال، بیم، امید و بی صبری لحظات را سکنس کرده بود. زمان انکار توی قیاب درگاه کمیته‌ها سنگ شده بود. دقیقه‌ای گذشت. دقیقه گذشت، دقیقه... و سرانجام نگاه‌ها از انتظار بردارند. درگاه کمیته‌ها پر شد. نگاه‌ها بر شد. هنوز با دیدن تر می‌شد. چشم‌ها به

رژیم ارتجاع که پس از کشتار هولناک زندانیان سیاسی، در اثر اعتراض جهانی و مخالفت مبارزه مردم، تحت فشار شدیدی قرار گرفته‌است، برای کاهش این فشار و آرایش چهره کوربه خود با مسک آزادی خواهی، با اقدامات زده‌ای دست زده و اعلام داشته‌است که به زودی گروهی از زندانیان سیاسی را عفو خواهد کرد. اما موافقتی که در قالب شرایط به اصطلاح بخش زندانیان سیاسی از سوی رژیم تیپکا رخمینی عنوان شده‌است، نشان دهنده ادا مبه محدود و این ما نور است. از طرفی چون نویسه کردن زندانیان و ابزار از جناح راست به عقاید خوش، محرز بودن توبه‌زندی و غیره. اقدام خرید و به اصطلاح "عفو" تلاشی است برای درسا به سرار دادن کشتار هولناک زندانیان سیاسی کشور. با این که چند ماه است از شروع کشتارهای جمعی زندانیان می‌گذرد، هنوز هم خبرا مهای و حبس‌ها از گونه و کنا رگشوری رسد. رژیم زندانیانی را که دوره حبس خود را تمام کرده‌ها در حال گذراندن آن بودند، در ماه‌های اخیر دسته دسته به جو خدا اعدام سپرده‌است. دستگاه قضایی رژیم به هیچ سیستم‌سی از موازین دادوری جهان معاصر می‌بند نیست. امروز برای مردم ما مطلقا هیچ زمینه و دلیل واقعی برای اعتقاد به این دستگاه وجود ندارد. این دستگاه زاده و تابعی از برآیند امیلا متضاد حکمرانان، نوسان‌های ناشی از جنگ قدرت و میزان انجام مایل تزلزل موقعیت کل حکومت است. کشتار و وحشیانه گسترده زندانیان سیاسی که مدت حکومت شان شخصی شده و با دوره حکومت شان را گذرانده و با در انتظار رحما کس بوده‌اند، به بیانه‌های واهی هر گونه تردیدی را در مورد تبلیغاتی بودن اقدام‌ها عفو قابل می‌کند. سایه سوم کشتار چون آمیزی که رژیم در زندان‌ها به راه انداخته، آنچنان طلانی است که عفو کسرو معینی از بقایای زندانیان سیاسی در برابر آن، بسیار کم رنگ جلوه می‌کند. سازمان عفو بین‌الملل به درستی قضاوت کرده‌است که "بخشودگی برای بسیاری از زندانیان سیاسی، از جمله زندانیان و جدان که در شش ماه گذشته اعدام شده‌اند حکم نوبنداروی بعد از مرگ را دارد". "نقش حقوق بشر"، امروز دیگر عیار رتی رسا برای ابعا دجنایات حکومت ایران نیست. آزادی بیان، عقیده، اجتماعات، تانین قضایی و غیره در مینماید به رویا بدل شده‌اند. به جای این مفاهیم انسانی، امروز سرکوب و وحشیانه و چونون آمیز هرگونه آزادی سیاسی حاکم شده‌است. در نظر و عمل مرتجعین حاکم بر ایران، ایده، وجدان و اندیشه‌های مستقل و تمکین نا پذیر با ید هم‌راه صاحب‌ان نابود شوند. امروز که تضادها و بحران رژیم شدت انگار رتی یافته، عملکرد دستگاه سرکوب نیز شتاب و گسترده‌تری بیشتری گرفته‌است و چهره‌های اصلی سیاست‌گذار جمهوری اسلامی وسیع‌تر و عمیق‌تر از هر زمان دیگر دست‌ها نشان بداین جنایات آلوده شده‌است. "تدابیر" از قبیل

قتل عام زندانیان سیاسی ...
بقیه از صفحه اول
اعتصاب بند ...
"نه نترسید. آن‌ها در اعتصاب نیستند. کاری که رژیم که دیگر هیچ وقت نتوانند اعتصاب کنند."
...
- "بهرم فقط دو زده سال داشت ... به خاطر اعلامیه بخش کردن مگر ممکن است اعدام کنند؟"
...
- "دخترم راه سال پیش گرفتند. آن وقت ۱۲ سالش بود. حالا خبرش را ..."
...
- "شش هزار تومان با یک جعبه شربتی با سبب بیاری."
- "چی؟ ... برای چی؟"
- "برای این که آدرس قریب‌تر تو بدیم."
- "... بی شرف‌ها ... بی شرف‌ها ..."
...
جلادان، خادمین ستم و جهل، خالقین دهشت و درد در کارند. در شهرهای بزرگ و در شهرهای کوچک دار بر می‌کنند، در خیابان‌ها و میدان‌ها، در زندان‌ها، بیگاریک عزیزان را بردار می‌کنند و سر دارنگاه می‌دارند تا رعب - این میراث دیربسیان مستبدان را - در دل‌ها بریزند ...
اسم‌ها اعلامی شود - روز جمعه ۴ آذر ماه دو روز پیش از آن زندانیان‌ها به خانواده‌های زندانیان خبر می‌دهند که کمیته‌ها مرا حه کنند. این پایان یک ماه جنگ روانی با خانواده‌های



یادنامه رفیق شهید خشایار خواجهیان (فرامرز)

رفیق خشایار خواجهیان در سال ۱۳۳۴ در تهران متولد شد. فعالیت سیاسی او از سال های آخردوره دبیرستان، تحت تاثیر جنبش فدائیان خلق آغاز گردید. رفیق خشایار، پس از ورود به دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۵۲، به یکی از مبارزان پرشور جنبش دانشجویی بدل شد و در سال ۵۳ در جریان یک اعتصاب و تظاهرات دانشجویی، توسط مزدوران رژیم شاه دستگیر و زندانی گردید. خشایار در برابر شکنجه های سخت با تمام وجود مقاومت کرد و به ۱۵ ماه زندان محکوم شد، اما نزدیکی به ۳ سال در زندان ماند و نهایتاً با وچگیری جنبش انقلابی مردم در سال ۵۶ آزاد شد. رفیق خشایار در تمام دوره ها ارتش، از چهره های رزمنده و پرشور و مقاوم در زندان بود. در زندان قهر به خاطر مقابله با تعدی زندانبانان علیه حقوق ابتدایی زندانبانان، بارها به عنوان تشبیه وهر چشمگرفتن مورد شکنجه و آزار قرار گرفت. اما هیچ یک از این شکنجه ها نتوانست سرشوریده او را خنم کند.

پس از آزادی از زندان، مبارزه او آنچنان که همواره در آرزویش بود با جنبش حماسی و شورانگیز توده های مردم گره خورده و به فراتر از اهداف یک انقلابی در راه خلق تعالی یافت. رفیق فرامرز در پی پیوند با زمان و برای تحقق آرمان های مردمی و انقلابی آن با تمام ظرفیت و توان در انقلاب بهمن شرکت کرد.

او مسئولین و سازماندهندگان اولیه تشکیلات شرق و جنوب شرقی تهران بود. نقش او در سازماندهی و هدایت حرکت ها و تشکیلاتی که در این منطقه و به ویژه استعداد بازرگانان و آفرین به مسایل جنبش کارگری، موجب شکست نقش مهمی در ایجاد شعبه مرکزی کارگری سازمان ایفا کردند. رفیق فرامرز در تدوین سیاست سندیکا کی سازمان، سهم بسزایی داشت. کارگران پیشرو و مبارزان فولادونفت، نیروگاه ها و صنوف راه آهن و سیما ن نساجی ها و ماشین سازی ها و همۀ آنها که در کنفرانس ها و گردهمایی های کارگری سازمان

شرکت می کردند، هنوز سخنان پرشور او هکسما، سیمای صمیمی و مهیبا و جفا ن نافذ و خنکشان فرا مرز را، فرا مرز جنب و جوش و ندا کار را به یاد دارند. او به حق یکی از سازمانگران و رهبران موشرف جنبش توده ای سندیکا کی طبقه کارگر ایران در سال های پس از انقلاب بود.

رفیق خشایار رزمنده ای بیترک و بیبکسر، با هوش، بیگار و به معنای واقعی کلمه زحمتکش بود. با رزترین ویژگی او کارسی در پیوستن به جنبش رزمی در راه آزادی سازمان و مصالح زحمتکش بود. او عمیقاً به خاندانیت این کلام کارکنان ایمان داشت که: "جامعه زمانی که کرد خورشید کار رنگ دارد به هیچ ترتیب نخواهد توانست به تعادل برسد". کار سازمانی، او در خدمت طبقه کارگر و سوادت محرومان کارآگاهانه و سازمانگرا نه توده ای، برای او و بیش از آن که یک وظیفه باشد، یک نیاز زود، او از زمره کسانی بود که کارشان با محک ایستادگی و رنجش پذیر است نه با مقتضیات انجام وظیفه.

رفیق خشایار خواجهیان، پس از ضربات سال ۶۲، در کنار رزمندگان محراب و فدائیان، رفیق محمد حسن دیانک توری (منصور) به سازماندهی نیروهای سازمان در بخش مهمی از تهران که در برگیرنده مهمترین مناطق کارگری بود، همسایگت گماشت. او در بسیج و تقویت روحیه و توان مبارزاتی نیروهای سازمان در شرایط بعد از ضربه و نیز سازمانگری هسته های محلی کارگری و هدایت برخی از مهمترین اعتراضات و اعتصابات کارگری در سال های ۶۲ تا ۶۵ نقش مهمی داشت. گزارش های دقیق، جامع و منظم او به رهبری سازمان در باره اوضاع کشور، وضعیت جامعه، به ویژه موقعیت طبقه کارگر، طی این مدت حتی در شرایط تعقیب و کربس از تواری کسترده و مکرر شدن، بلا نقطه ادا مه یافت و سازمان را در شرایط دشوار مبارزه اش یاری داد.

رفیق فرامرز طی ضربات تابستان ۶۵ توسط ساواک خمینی دستگیر شد و زیر شکنجه در زندان قرار گرفت. اما علیرغم همه مصائب سرسریمان بهما تند و موج گشتار عام زندانبانان سیاسی کشور، در بائیز ۶۷ جان پاکش در خون تبدیل، با شهادت او سازمان با یکی از زنده ترین کارهای خود جنبش سندیکا کی طبقه کارگر ایران یکی از مستعدترین و موشرفترین سازمانگرا نش را از دست داد. تلاش کما می و یادش جاودان باد.

از شرافت و انسانیت برده اند تحب انکیزنگشت، در میان مجموعه عوامل سازد ارند و با نسج استقرار صلح، تمايلات توسعه طلبانه کفاسات عراق نقش در جه اول را ایفا می کند. دولت عراق، حاضر نیست قرارداد ۹۷۵؛ الجزیره راه عشق راوان مبنای مذاکرات بپذیرد و همچنان بر دعای کذشته خود در مالکیت عراق بر اورند و دنیا فشار می کند. این مسئله مانع اصلی شروع مذاکرات جدی و غیر بخش صلح است. حضور نیروهای عراقی در کشور ما در خدمت خواست های توسعه طلبانه دولت عراق است. به همین دلیل هم حکم تهران این عهد شکنی عراق را دست او بیز قرار داده اند و از فوجا لیت جنگی و کاهش بوجه نظامی کشور خودداری می کنند و خروج این نیروها را مسئله مقدم مذاکرات قرار داده اند. ادا مه روابط متکی بر وضعیت نه جنگ و نه صلح و ادا مه بن بست مذاکرات به زبان دولتمست عراقی و ایران است. به سود هر دو کشور است که وضع کنونی از اساس دیگرگون شود و روابط حسن همجواری و متکی بر عدم مداخله و شوشل به زود در حل اختلافات بین طرفین برقرار شود و طرفین استقرار صلح پایدار بین خود را بپذیرند. مردم ایران از همسایگ دولت ها و مجامع بین المللی، به ویژه از سازمان ملل متحد می خواهند که طرفین را برای انعقاد صلح پایدار و رنجت فشار بگذارند. با شکست به شوم جنگ برای همیشه از روابط دو کشور کناره رود.

بن بست مذاکرات صلح،

آبستن خطرات جدی است

نزدیک به شش ماه از پذیرش آتش بس از سوی رژیم جمهوری اسلامی می گذرد. اما هنوز راه استقرار صلح هموار نشده و هنوز مذاکرات طرفین به نقطه قابل اتکایی نرسیده است. در قطعه مسکن ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، عقب نشینی نیروهای نظامی طرفین تا مرزهای شناخته شده بین المللی و مبادله اسیران جنگی دو طرف ادامه شده است. اما طی این مدت جز مبادله تعداد بسیار کمی از اسیران بیمار و معلول هیچ اقدام قابل توجیهی در این زمینه صورت نگرفته است. علاوه بر این طرفین نیروهای زیادی را در مرزها محصور کرده اند و به گفته فرماندهان نیروهای سازمان ملل متحد که بر حفظ آتش بس نظارت می کنند، اوضاع جبهه ها صاف و خطر آفرین شده است. به دلیل پدید آمدن این وضعیت و گرفتار آمدن مذاکرات در بن بست، این او خیر بخیر دولت های منطقه خواهان مداخله فعال در تدر و ادا رگسردن طرفین به حرای قطعه ۵۹۸ شده اند و ما موریت نماینده ویژه سازمان ملل متحد تجدید شده است. پدید آمدن این وضعیت نتیجه خرابکاری طرفین، به ویژه خرابکاری دولت عراق است. اکنون نیروهای عراقی بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های ایران را در اشغال خود دارند. این مناطق در روزهای واپسین جنگ اشغال شدند. نیروهای عراقی از خروج از این مناطق خودداری می کنند. بدین ترتیب دولت عراق یکی از مواد قرارداد اصریحاً نقض کرده است. نقض قرارداد توسط عراق، مشوق رژیم ایران در عدم موافقت با آزادی همه اسرای جنگی است. عراقی ها، بخشی از سرزمین ما و رژیم ایران اسیران عراقی را رگروگان نگه داشته اند تا در مذاکرات از یکدیگر امتیاز بگیرند. غیراتسانی ترین کار گروگان گرفتن انسانی های است که به خاطر ترسک جنگ بیپرده به سمت درآ آمده اند. این است که از مقامات هر دو رژیم که شریف ترین فرزندان دو کشور را در سیاهال ها، خلق آویز می کنند و کمترین بوشی

اعتصاب نفتگران آبادان

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط رژیم جمهوری اسلامی و در جریان بازسازی و از سرگیری کار پالایشگاه آبادان، تعدادی از کارگران و کارکنان نفت برای راه اندازی مجدد پالایشگاه، دعوت به مسه کار شدند. اما پس از حدود ۳ ماه کار، حقوقی به آنها پرداخت نشد. بدین ترتیب از اوایل آذرماه ۶۷ زمره های اعتراضی نسبت به دیر برداشت حقوق بالا گرفت. نفتگران، دست به کم کاری زدند و تا زمانی که اعتراض خود را نسبت به برخورد مسئولین ابراز نکردند. مقامات پالایشگاه این حرکت اعتراضی را اعتصاب تعبیر کرده و سعی می کنند با توسل به تهدید نفتگران معترض را مرعوب کنند. اما این تهدیدها برخلاف انتظار مقامات، کارگران معترض را مصمم به اعتصاب کرد.

با شروع این اعتصاب، مسئولین مربوطه به کارگران اعلام می کنند که حقوق آنها بعد از استخراج نفت از درآ مدخله از آن برداشت خواهد شد. نفتگران اعتصابی زیر بار این وعده سرخ مسن نمی روند و اعتصاب ادا مه میاید کمی دو هفته است آن عده ای از نفتگران توسط مزدوران رژیم دستگیر می شوند. با انگکاسی این خبر در پالایشگاه همسایگ سیراز و اصفهان، نفتگران این پالایشگاه هم با اعتصاب آبادان اعلام همبستگی کرده و از آنها حمایت کردند. نفتگران اصفهان و سیراز خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده و آزادی دستگیر شدگان آبادان شدند.

در پی این اعتصاب، آفازاده وزیر نفت به آبادان رفت. میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم خمینی نیز در جریان این اعتصاب به آبادان رفت و در جلسهای که با حضور مسئولین منطقه از جمله استاندار و فرماندار آبادان تشکیل شد، تصمیم گرفتند که محل بودجه عمران شهر، حقوق کارگران پرداخت شود. اما گویا به دلیل کمبود بودجه عمران شهر، منابع در نظر گرفته شده کفایت نمی دهد این اعتصاب مدت ها ادا مه داشته و طبق اطلاع مسان نتیجه این اعتصاب تا اوایل بهمن ماه نیز روشن نشده بود.

با زتاب خبر این اعتصاب در مسئولین طراز اول حکومتی با حساسیت و نگرانی جدی همراه بوده است. این بیمو نگرانی در تمامه معروف خمینی خطاب به کارگران نفت و کاروینرو... در بیستم دیماه با وضوح تمام انعکاس یافته است.

محکومیت آدمکشهای رژیم توسط

ک-م-ح-ک اتحاد شوروی

صدای اعتراض علیه جنایات رژیم در زندان ها، علیه قتل عام زندانبانان سیاسی در جهان ادا مه دارد. هر چه ادا مه دهنی که روی داده بیشتر آشکار می شود، محکومیت رژیم در جهان نیز بر دانه ترمی گردد. احزاب و سازمان ها، مجامع بین المللی و دولت های که رژیم را به خاطر ابرام جنایت عظیم محکوم می کنند و خواهان قطع فوری اعدام ها می شوند، فزونی می یابد. در این فاجعه، برخی از رسانه های خبری اتحاد شوروی، مردم این کشور را در جریان این جنایت هولناک قرار دادند که خشم آنان را برانگیخته است. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در پاسخ به تقاضای احزاب و سازمان های متوقی ایران و اسرا نگرانی عمیق مردم شوروی، اعدام ها را محکوم کرده و خواهان قطع فوری آن شده است. در زیرمتن ابمن موضع گیری که در روزنامه بر و ادا مورخ اول فوریه منعکس شده است، درج می شود:

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بیا می از کمونیست ها و غیر حزبی ها که در آنها در رابطه با اخبار مربوط به اعدام رهبران حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر سازمان ها اظهار نگرانی جدی شده است، می رسد.

ضمن ابراز نگرانی جدی مردم شوروی در رابطه با تفسیقات در ایران، کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی خواستار قطع فوری اعدام زندانبانان سیاسی ایران است.



پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!